

Organization

سازمان

Pars

پارس

Overthrow
Committee

شورای براندازی



اسفند ماه ۳۷۴۶ جمشیدی
مارس ۲۰۰۹

گاهنامه
1€

شماره ۷۶
سال یازدهم





حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز دست خواهیم یافت.

جنگ آتش فراسید

بیاتابوشیم و جنگ آوریم

برون سراز این بار ننگ آوریم



حکومت تازیان اسلامی، در آتش
خشم فرزندان ایرانزمین خواهد سوخت

درود بر فرزندان مبارز ایرانزمین،

امروز صحبت من با شما **ایرانپرستان** و فرزندان واقعی و **مبارز** ایرانزمین می باشد. با **همت** شما فرزندان ایرانزمین و سازمان پارس و شورای براندازی می بایست امسال، **سال مرگ حکومت جبار اسلامی** باشد.

دانشجویان، شیرزنان مبارز، معلمان، کارگران، کارمندان، کشاورزان و اصناف، شما می بایست **اعتصابات همگانی** خویش را آغاز نمایید. **هسته های براندازی** که حدود دو سال و اندیست در حال تشکیل در ایران می باشند، می بایست هم اکنون هدفهای خویش را که عبارتند از **منازل و مراکز حکومتی** و مزدورانشان و همچنین **شرکت ها و عوامل خارجی** که از حامیان این حکومت جبار می باشند، شناسایی نموده و سپس محل ها، مراکز و خود روهای آنان را به **آتش کشیده و عملیات حذف فیزیکی** آنان را آغاز نمایند. سازمان پارس و شورای براندازی سالهاست که **دولت انتقال** و حتی پیش نویس قانون اساسی ایران **آزاد و دمکراتیک** را تدارک دیده است و همه جوانب را برای ایجاد ایرانی **آزاد، آباد، سرافراز** و **دمکراتیک** در نظر گرفته است. من آرمان نوری از مردم ایران انتظار

فهرست

- ۱ جنگ آتش فراسید
- ۲ فردای نامعلوم
- ۵ مصاحبه بهروز سورن با جابر کلیبی
- ۶ تأملی بر جنبش زنان و ارزیابی مشکلات آن
- ۹ گروههای چریکی
- ۱۱ گزارش کامل انتخابات پارلمانی اسرائیل
- ۱۳ حمله چریک های فدایی به سفارت آمریکا
- ۱۵ خبرها

برون سراز این بار ننگ آوریم

بیاتابوشیم و جنگ آوریم

فرزندان ایرانزمین، حق گرفتنی است و ما آن را خواهیم ستاند. این مهم نیاز به مبارزه و حماسه آفرینی دارد.

فرزندان ایرانزمین، برای به چنگ آوردن آزادی، شرف، آبرو و سرافرازی خویش می بایست مبارزه کرد. فرزندان ایرانزمین در انتظار همیاری و حمایت جهان استعمار که این حکومت را بر ما چیره ساخته اند و همواره در خفا از آن حمایت کرده اند و در استمرار آن کوشا بوده اند و در نتیجه آن ثروت و سرمایه های ملی ما را به غارت برده اند، نباشید.

فرزندان ایرانزمین، با پیوستگی و همبستگی با یکدیگر در جنبش سپید براندازی و با اتحاد زنجیروار و ناگسستگی و همچنین پیوند روحی و جسمی، چنان نیروی عظیمی برپا نمایید که نه تنها حکومت جباران اسلامی بلکه جهان استعمار را نیز چنان درسی دهید که دیگر اندیشه ای ناپاک علیه میهنمان در سر نپرورانند چرا که فرزندان ایرانزمین اکنون بیدارند و میهن اهورایی خود را پاس می دارند.

فرزندان ایرانزمین، سربازان پارسی زمان رزم فرا رسید،

به پیش برای نابودی اهریمنان و دشمنان ایرانزمین

پیروزی از آن ما خواهد بود

پاینده ایران

دکتر آرمان نوری

رهبر جنبش سپید براندازی

فردای نامعلوم



با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی و سپس شکوفایی علم و تکنولوژی پیشرفته آن سیستمی که حاکم زمان تا آن روز بود دگرگون شد.

سیستم تازه ای بر جهان سایه افکند که از حقوق بشر و دمکراسی زرمه می کرد نه اینکه

واقعاً انجام شد بلکه تنها فرانسوی ها راه را ارائه و هموار نمودند.

این پیشرفت های خارق العاده علم و تکنولوژی در غرب که امکان بهتر کردن زندگی و روزگار مردم جهان را نوید می داد در راهی گام برداشت که به استثمار سایر مردم انجامید.

کشورهای پیشرفته حرمت های فرهنگی - اخلاقی و سنتی ملتها را نادیده گرفته و جوامع بشری را بسوی تجمل پرستی و ثروت

دارم که سستی، بی تفاوتی و هراس را کنار گذارده و برای احقاق حق خویش بپاخیزند و وارد کارزار شوند و با رزمی استوار که نمایانگر فرزندان واقعی ایرانزمین است دشمنان را نابود سازند.

فرزندان ایرانزمین بدانید که اهورای نیکخواه ایرانزمین و من آرمان نوری در این رزم در کنار شما خواهیم بود و پیروزی از آن ماست.

چهارشنبه سوری امسال نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت قهرمان ایران علیه اهریمن و تازیان یعنی حکومت جبر و جنایت اسلامی در ایران می باشد.

فرزندان ایرانزمین، آداب و رسوم و در کل فرهنگ پارسیان همواره ما را از گزند دشمنان و اهریمنان رهایی بخشیده است. گاه آن فرا رسیده است که آتش خشم خود را با آتش چهارشنبه سوری در هم آمیزیم و جهنمی عظیم برای نابودی شیاطین مذهبی و دشمنان فرهنگ و تاریخ و سرافرازی ایرانیان، بوجود آوریم و در انتها سرفصل براندازی احشام تازی صفت حکومتی را در میهن خود فراهم سازیم.

در این روز از هسته های براندازی، نیروهای مسلح میهنی، سربازان پارسی، پاسداران و ارتشیان میهن پرست می خواهیم که در کنار مردم باشند. نیروهای مسلح ایران، شما از آن فرزندان ایرانزمین می باشید، شما از فرزندان ایرانزمین هستید. شما تافته ای جدابافته از جامعه ایرانی نیستید، به خود آئید و خود را در برابر اهریمنان ناپاک ضد ایران و ایرانی قرار دهید. در این جشن مرگ آفرین برای اهریمنان، دشمنان ایرانزمین و مزدوران حکومت شیاطین مذهبی، همه فرزندان ایرانزمین می بایست شرکت جویند و ضربه کاری بر پیکر ناپاک جنایتکاران و دزدان حکومتی وارد آورند.

نیروهای مسلح میهنی، سربازان پارسی از شما انتظار دارم که مزدوران حکومتی را شناسائی کرده و آنها را خنثی نمایید. فرزندان ایرانزمین اکنون ما در مرحله عملی جنبش براندازی قرار گرفته ایم و رزم واقعی آغاز گشته است و این رزم تا نابودی و مرگ حکومت ضد ایران و ایرانی ادامه خواهد داشت.

فرزندان ایرانزمین، در این کارزار شجاعانه، عاقلانه و عادلانه عمل کنید. نگذارید نیروی خشمتان بر نیروی عقل چیره گردد، عملیات را با طرح پیشین و بررسی جوانب عملی، بدون اینکه بر شما صدمه ای وارد آید رهبری کنید.

فرزندان ایرانزمین، شیرزنان سلحشور و آزادمدان مبارز، ما با یکدیگر شر اهریمنان پلید را از میهن اهورایی خویش دور خواهیم کرد. ما فرزندان ایرانزمین حق خود را از جهان بی عدالتی خواهیم ستاند، جهانی که ۳۰ سال، حکومت احشام تازی اسلامی بنیادگرا را بر ما چیره ساخته است.

سیاست دوگانه و ناکارآمد در اجرای منویات لابی های مرگ، با قدرت کوبنده نظامی خود نوع تازه ای از استثمار برگزیدند.

سازمان ملل تبدیل به اهرم قدرت گردید که حفظ منافع آنان و خودیها را در بر گرفت و استفاده بارها از حق وتو بر علیه ستمدیدگان و به نفع زورگویان گویای این حقیقت است.

اگر کشوری از قطع نامه های شورای امنیت سرپیچی کند با جنگ و خون وادار به اطاعت می شود ولی اگر از خودی ها باشد چشم پوشی کرده و می کنند. اصولاً معلوم نیست چرا ۵ کشور در برابر همه جهان حق وتو دارند و خود را قیم مردم گیتی می دانند همان گونه که در قانون اساسی رژیم فروپاشیده سلطنتی ایران ۵ آخوند حق وتو داشتند و امروز هم ولی فقیه قیم ملت ایران است. یعنی همه مردم جهان عقل و شعور اداره خود را ندارند باید این ۵ کشور آقای جهان و تصمیم گیرنده بوده و بقیه برده وار مطیع باشند، اگر این روش را ادامه دهند (که نمی توانند) و در روی یک پاشنه بگردد «این قافله تا بحشر لنگ است».

باید حق وتو از خودکامگان جهانی سلب شده و اگر سازمان ملل بخواهد حیثیت و حقانیتی داشته باشد تصمیمی را که به اکثریت آراء مجمع عمومی سازمان ملل برسد قبول نماید که اجرا گردد.

هنگامیکه در آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و آفریقا رسانه های جهان نشان می دهند قدرتهای زورگو و ستمگر با داشتن سلاح های پیشرفته ای لابی های مرگ در چنگال خونین خود مردم بی اسلحه و بی دفاع ستمدیده را تروریست خوانده و با بمب خوشه ای تکه تکه می کنند و سازمان ملل تنها به عنوان ناظر قطع نامه بی محتوایی دوگانه صادر کرده و به نعل و به میخ می زند، خاطره تاریخی دو هزار سال پیش را تکرار می کند که در گلپزه رم برده های گلا دیاتور را بعضاً می آوردند و در جلوی حیوانات وحشی انداخته که با چنگال و دندان های تیز خود بیچاره ای را تکه تکه کرده و می خوردند و مقامات ناظر در اطراف نشسته و لذت می بردند و بدین سان می بینیم امروز در جهان یا فرم دیگری تاریخ تکرار می شود.

چنین است که ملی گرایی در گوشه و کنار جهان سر بلند کرده و ندای بی صدایان به می رسد و بذر انقلاب و دگرگونی را در جامعه خود پاشیده تا لاله های خونین آزادی رویش یابد و دیر یا زود می روید زیرا ناقوس زبونی و درماندگی ستمکاران ظالم به صدا درآمده و قدرتهای ستمگر و زورگو از درون و برون دچار درگرگونی های بنیادی شده اند و ملل ستمدیده با تجربه گذشته خود راه لیبرال های بی بند و بار غربی و جامعه گرایی بی محتوای شرقی را

اندوزی هدایت کردند، اتم را نشکافند ولی بمب برای نابودی بشر از آن ساختند. آرمان فلسفه و متفکران اندیشمند شرقی را که تلاش برای زندگی با افتخار و اخلاق بود در هم ریخته و به جای آن تنها زندگی تجمل پرستی پرمصرف و لذت بردن را جایگزین کردند و هر روز بیش از گذشته با معنویات اخلاقی فاصله گرفتند.

در سال ۱۸۴۸ کارل ماکس با انتشار مانیفست خود راه تازه ای را در برابر لیبرالیسم و کاپیتالیسم عنوان کرد که بعدها روسیه با انتخاب سیستم نوگرایی کارل ماکس جامعه ای نو برپا نمود و مردم ستمدیده و عقب نگه داشته جهان ندانسته و چشم بسته کعبه آمالی برای خود پیدا کردند.

جهان در دو ایدئولوژی درگیر بود که تازه واردی به نام فاشیست نازی ها قد برافراشت و رهبر آن با استالین کمونیست قراردادی را بنام ژرمن و شوروی امضاء نمود و این دوستی مصلحتی دیری نپائید و به دشمنی و جنگ بین الملل دوم انجامید که پی آمد آنرا دیدیم و روزگار مردی که او هم نظم نوینی برای جهان آرزو می کرد تیره شد.

از این به بعد مستعمره چی فرتوت و کلاسیک آن روز در گوشه و کنار جهان جای خود را به آمریکای نو رسیده و می گذاشت؛ این تازه وارد با افراشتن پرچم آزادی مستعمرات ستمدیده و ارائه دمکراسی کشورهای آسیب دیده و استعمارزاده را بخود جلب نمود.

در آن هنگام کشور ما هم که می رفت تا پاره پاره شده و حکومت های کمونیستی در آذربایجان و کردستان تحت حمایت شوروی از ایران جدا شود و ما به هیچ وجه قادر به اقدامی نبودیم، رئیس جمهور آمریکا ترومن به داد ما رسید و تلفنی از استالین خواست که ایران را تخلیه کند و او را به مقابله تهدید نمود و نماینده آمریکا در سازمان ملل صراحتاً اعلام کرد اگر ارتش شوروی از ایران خارج نشود جنگ سوم جهانی در برابر دنیا خواهد بود. شوروی ها که جنگ استخوان های آنان را خورد کرده بود جا خورده و با مسافرت قوام السلطنه سیاستمدار فرهیخته و مدبر ما به مسکو که به آنان وعده سر خرمن داد ارتش شوروی ایران را تخلیه نمود. البته بعدها با تبلیغات کسان دیگری خود را کباده کش نجات آذربایجان نامیدند.

نسل ما و آیندگان باید سپاسگزار آمریکا باشیم که استقلال و تمامیت ارضی ما را تضمین نمود. آزادی خواهی و حمایت آمریکا از ملل گوناگون و کمک بی نظیر با طرح مارشال به اروپای خراب شده از جنگ چشم های مردم جهان را به سوی واشنگتن برگرداند. افسوس که این پندار نیک و کردار نیک به همین صورت ادامه نیافت و با تسلط و به زیر چکمه کشیدن سازمان ملل متحد و اجرای

مدرن، **تانکهای سنگین**، **هلی کوپترهای غول پیکر** و **بولدوزرهای** خانه خراب کن مردم بی پناه و دست خالی را با **بمب** های خوشه ای کشتند و خانه های را بر سرشان خراب کردند ولی عاقبت ارتش قوی و پر قدرت **شوروی** با همه این وسایل جنگی و نسل کشی در برابر باورمندان افغانی که سینه ای آتش افروز با دلی پرسوز داشتند تسلیم شده و با نوشیدن جام زهر فرار کردند و در این هفته ماه فوریه ۲۰۰۹ بیستمین سال خروج از **افغانستان** را جشن گرفته و با رژه باقیمانده همان واحدها می گویند که به اهداف خود رسیده اند، **دروغ و بی شرمی** برنامه همیشگی ستمگران است.

همین باورهای مذهبی سی سال پیش چشم و گوش بسته نگاه مردم به ستوه آمده را در ایران به ماه در آسمان برگرداندند تا تار موی ناجی خود را در آن ببینند و ما را به چنین روزی انداختند. باور مذهبی و دین را نمی توان از مردم جدا کرد باید مردم را به حدی از دانش و عقل رساند تا بدانند که **دین و خدا** را خود اختراع کرده و خیالی واهی بیش نیست هزار سال پیش **ابوالعلا معیری** هم گفت: **مردم دو دسته اند یا عاقل بی دینند یا مؤمن بی عقل.**

هفتاد سال دین زدایی در **شوروی** روزی که فروپاشی غول **کمونیست** شروع شد باورهای مذهبی همانند **قارچ** در جامعه روسیه و معابد رونق بیشتری از پیش از انقلاب بدست آورد.

سیاستمداران زورمند جهانی که تصور می کنند با دینداران می توان **بازی کرد** و بازی را برد اشتباه تاریخی را تکرار کرده و درس از گذشته ها نمی گیرند، سی سال پیش با ارسال کیک شیرینی و کلید شهر تصمیم داشتند ل آخوندها را بدست آورند که نشد ولی **پشتیبانی** پنهانی خود را از **رژیم مذهبی** ادامه دادند. مردم فریب خورده ایران باز جنبشی را شروع کرده بودند که با قیام خود به آرزویی که در برپایی انقلاب داشتند برسند و اوضاع را دگرگون کنند (**براندازی**) دست نامرئی غربی ها به دادشان رسید و **صدام حسین** را وادار کردند به ایران حمله کند تا با تحریک احساسات ملی مردم به فکر دشمن خارجی باشند نه دشمن غاصب داخلی که چنین هم شد و صدام حسین با ساده لوحی بیابانی که داشت تصور می کرد با این نوکری پاداش خوبی به او خواهد داد و دیدیم چه پاداش ارزنده ای به او دادند.

پس از سر کشیدن **جام زهر** کم کم باز مردم به ستوه آمده بدور خود جمع می شدند تا براندازی کنند و رژیم را خطر عراق در غرب و **طالبان** در شرق تهدید می کرد، تلاش خود را بر علیه این دو دشمن متمرکز کرده بود و جنبش های مردم به حرکت درآمده بود ولی دست غیب دنیای **غرب** باز به یاری رژیم آمد و این دو خطر

منسوخ شده نفی می کنند، این **جنبش های آزادی و ناسیونالیستی** را نمی توان با قدرت **سرنیزه** و **بمب خوشه ای** و **فسفوری** از بین برد و ملت های ستمدیده را **سرکوب** نمود، اگر زورمندان ستمگر برای حفظ منافع خود **جنايات ضد بشری** را بدون واهمه انجام می دهند مردم ستمدیده تنها برای بدست آوردن **حق زیست آزاد خود مبارزه** و **مقاومت** می کنند و بس.

اشکال بزرگ زورگویان **ستمگر** جهانی اینست که شناسایی کامل به احساسات درونی ملت ها و سنن و باورهای مذهبی و فرهنگی آنان را ندارند و از همه جا به بن بست می رسند و این امر تازگی ندارد، روزی که لرد کرزن **امپریالیست** کهنه کار و ورزیده مکتب **استعمار هندوستان** بدون آگاهی از خوی ناسیونالیستی ایرانی و اتکاء به عواملی که آن روز در مجلس ایران داشتند مطمئن بود که **قرارداد ۱۹۱۹** را مجلس تصویب می کند که نکرد. در عصر ما پس از **لیبرالیسم دموکراسی و مارکسیست و فاشیست** نازی ها که به ناکامی رسیده اند تازه واردی پا به میدان گذاشت با تز بازگشت به گذشته به نام **رادیکالیسم مذهبی**. دو پادشاه سلسله پهلوی هم به دنبال بازگشت به گذشته بودند منتهی آنان بازگشت را به دوران با عظمت **هخامنشی** می خواستند ولی **تازی پرستان** دستار بند بازگشت به قدرت بیابان گردان بی فرهنگ را که دختران خود را زنده به گور می کردند جستجو نمودند که در **تضاد با فرهنگ و تمدن** چند هزار ساله ایرانزمین است.

جنبش ملی گرای همه قشرهای جامعه ایرانی را در سال ۱۳۵۷ که می رفت تا ایران را از **حکومت یک نفره** و **خودکامگی** و **کاپیتولاسیون** نجات دهد **بدست تازی پرستان بلعیده** شد و **حکومت سیاه مذهبی** با اتکاء به دین **تحمیلی پابرهنه های بیابانگرد** را برقرار نمودند، رژیم وحشت **انکیزیسونی** قرون وسطای کلیسای کاتولیک را این بار مسجد بنام حکومت الهه و **اسلام ناب محمدی** بر قرار کرد.

برای تحقق وابستگی با **عرب** ها بلافاصله هویت تاریخی ما را به هویت دست یافته **تازیان** یکی کرد و روزی را که **پیامبر عرب** اجباراً از مکه به مدینه رفته بود مبدأ تاریخ اسلام قرار داد **آخوندها** باز تاریخ هجری شمسی را انتخاب کردند و همه گذشته ایرانزمین که جهانی به آن سرفراز است نادیده گرفتند.

تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

متأسفانه در برابر سیاست های دوگانه زورگویان در مسائل جهانی این **جنبش مذهبی** روز به روز جوامع اسلامی را در می نوردد و دیر یا زود آنان را به سرنوشت ما دچار خواهد کرد.

جنبش های ملی گرای را که بر مبنای باورهای مذهبی باشد با سر نیزه نمی توان خاموش کرد ما دیدیم جنگنده های

به نظر شما دلائل تشدید **سرکوب و سانسور** در ماههای اخیر بطور مختصر کدام است؟

جابر کلیبی : یکی از ویژه گی های جمهوری اسلامی این است که همیشه در حال تشدید **ترور و سرکوب** است. این از خصلت های اساسی رژیم های **فاشیستی** است. جمهوری اسلامی از همان آغاز به قدرت خزیدنش، به عنوان **وارث ترور و خفقان رژیم سلطنتی** به تشدید **سرکوب و سانسور** دست زده است. استمرار سرکوب و به تبع آن سانسور شدید، پس از مدتی با **مقاومت مردم، کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان**، ملیت ها و ...، بُرای خود را از دست داده و رژیم برای ادامه حیات خود ناچار به بکار گرفتن اشکال جدیدی از **سرکوب و سانسور** شده است. سانسور جمهوری اسلامی که با بستن روزنامه **آیندگان**، رسماً توسط شخص **خمینی** آغاز شد، در مراحل بعدی با توجه به **مقاومت و مبارزه** توده های مردم و برای **سرکوب** آن، ابعاد وسیعتر و مضمون **خشن** تری به خود گرفت. در دوران وزارت ارشاد **محمد خاتمی**، به موازات تشدید سرکوب، ایشان **سانسور** « مضاعف » را برقرار نمود. به این معنا که حتی پس از گرفتن مجوز برای انتشار کتاب و... و چاپ آثار، آن را توقیف و به « خمیر » تبدیل می کردند. این امر نه تنها **سانسور** کتاب و آثار قلمی بود بلکه زیانهای سنگین مالی برای نویسندگان را نیز به همراه داشت که در بسیاری موارد به ورشکستگی مؤلف و ناشر می انجامید. آری، این از ابتکارهای جناب **خاتمی** بود که به « اصلاح طلب »؟! معروف است.

سانسور به عنوان وسیله ای برای **سرکوب** اندیشه ها و جلوگیری از رشد و تعمیق آگاهی مردم، از سیاست **ترور و خفقان** جمهوری اسلامی تفکیک ناپذیر است. اما دلیل **تشدید** سرکوب و سانسور در ماههای اخیر، رشد اعتراض ها و توسعه مخالفت ها در جامعه بویژه از جانب نیروهای اجتماعی مهمی چون **کارگران، دانشجویان، زنان** و ... می باشد که در سال های اخیر رژیم را با مشکلات سنگینی روبرو ساخته است. اغراق نه خواهد بود چنانچه بگوییم در شرایط کنونی، رژیم با جامعه ای در حال تکاپو برای **خروج** از وضعیت **اقتصادی، اجتماعی، سیاسی** و ... که دیگر به مرز **انفجار** رسیده است، روبروست و در چنین شرایطی عنصر آگاهی و تبدیل آن به رابطه ای اجتماعی میان عناصر فعال جامعه آن **خطر** جدی است که تمامیت رژیم را تهدید می کند. از این رو تشدید سانسور در شرایط کنونی، به عنوان یکی از اجزاء مهم **سرکوب**، بطور مشخص **آگاهی سیاسی عمومی** و عناصر فعال

خارجی که رژیم را به خود مشغول کرده بود **کوبیدن** و رژیم با آسودگی خیال به سرکوب کامل دگراندیشان داخلی پرداخت و مدافعان حقوق بشر در غرب ماهیت خود را بار دیگر نمایان و افکار عمومی جهان را تنها بر علیه **غنی سازی اورانیوم** در ایران معطوف کردند.

با زیاده گویی های بی پایه از **قدرت** رژیم ایران **وحشت و ترس** در منطقه ایجاد نموده و **میلیاردها دلار اسلحه** سرازیر به کشورهای منطقه شد تا در این ایام بد اقتصادی و مالی کارخانه های لابی های مرگ با سرعت بیشتر به کار خود ادامه دهد.

همه این بازی های سیاسی را می بینم و تعدادی از هم میهنان ما از خواب **غفلت** بیدار نشده اند.

پس از افول قدرت رو به زوال **آخرین پادشاه** و فروپاشی رژیم سلطنتی در ایران تعدادی هنوز در جا می زنند و به زمان از دست رفته و **برگشت ناپذیر** غافل از فردای نامعلوم امیدوار و باده خاموشی نوشیده اند.

سرهنگ دکتر عقیلی پور

مارس ۲۰۰۹

مصاحبه بهروز سورن با جابر کلیبی

نظرخواهی سایت گزارشگران درباره تشدید و تداوم سانسور نشریات - فیلترینگ و سرکوب روزنامه نگاران و نویسندگان

جابر کلیبی



*همانطور که مطلع هستید در ماههای اخیر امواج **سانسور و سرکوب** از سوی رژیم ابعادی گسترده تر یافته است. روزنامه نگاران و نویسندگان به **سیاهچاله** روانه و یا به اعدام محکوم می شوند. نشریات مستقل و آزاد **ممنوعه** و یا به دفاتر **فعالین حقوق بشر** هجوم و

هرگونه مجرای خبرسانی را مهر و موم می کنند. بر طبق اظهارات **مسئولین** نظام جمهوری اسلامی طی چندسال گذشته صدها هزار وبلاگ و رسانه اینترنتی در داخل و خارج از کشور **مسدود** و یا با **فیلترینگ** گسترده مواجه شده اند. **دانشجویان** کماکان تاوان آزادی خواهی خود را می دهند و **فعالین و رهبران** **کارگری و جنبش زنان و معلمان** در زندانها بسر می برند.

جابر کلبی : با توجه به **نارسایی** و **ضعفی** که بر رسانه های **مترقی** و بطور کلی بر جنبش چپ حاکم است باید در جستجوی **ابزار** و **مکانیسم** هایی بود تا در مقابل سانسور رژیم و نیز سانسور **رسانه های امپریالیستی** در زمینه **مبارزات رادیکال** که تمامیت رژیم را هدف گرفته اند، قد علم کرد. درست به همین مناسبت است که کوشش هایی در جهت ایجاد نهادهایی از قبیل « **کانون روزنامه نگاران و نویسندگان برای آزادی** » - که **سایت گزارشگران** در تدارک و عملی ساختن آن نقش مهمی داشته است!، برای درهم شکستن دیوار سانسور اهمیت اساسی دارد.

*همبستگی و **اشتراک مساعی رسانه های مستقل را تا چه اندازه لازم تلقی می کنید؟**

جابر کلبی : در این شکی نیست که هرچه **هماهنگی** و **اشتراک مساعی** رسانه های **مترقی** و **چپ** سازمان یافته تر باشد به همان نسبت **سانسور** کارایی کمتری خواهد داشت. از جانب دیگر، سانسور رژیم آنطور که برخی سطحی نگران می پندارند جدا از تمامیت جمهوری اسلامی نیست و یکی از عواملی است که مستقیماً با **حیات رژیم** ارتباط دارد. از این رو، **مبارزه** علیه **سانسور** جزیی از مبارزه علیه **تمامیت** رژیم است.

با تشکر از شما
بهروز سورن

تأملی بر جنبش زنان و ارزیابی مشکلات آن

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

پروانه قاسمی

بشریت در **چنگال** جنگ و **بربریت** امپریالیستی فشرده میشود و عواقب نکبت بار **بحران های نظام سرمایه داری** بیش از همه خود را به **کارگران** و **زحمت کشان**، بویژه **زنان** زحمت کش، تحمیل می کند و آنها هستند که باید تاوان سنگین بحران ها و **نابسامانی های نظام مردسالار** را بپردازند. در ایران، **زنان** در زیر فشار و **اختناق** قوانین و سنت های اسلامی که همه عناصر فعال جامعه را به بند کشیده اند، روزانه به نحو خشن و غیر قابل تحملی **تحقیر** و **سرکوب** می شوند. تصادفی نیست که هم در رژیم **پادشاهی پهلوی** و هم در **نظام جمهوری اسلامی**، تمرکز **سرکوب** و **اجحاف** علیه زنان شاخص و نماد **استبداد عمومی** مسلط بر جامعه است. از این رو کمتر **جنبش سیاسی** و **اجتماعی** را در ایران سراغ داریم که زنان در آن وسیعاً شرکت نه نموده و نقش مهمی را، یا به پای مردان ایفا نکرده باشند. **نقش زنان** و شرکت

جامعه را هدف گرفته و برای مقابله با **جنبش های اجتماعی** است.

***واکنش رسانه های موجود در برابر اقدامات رژیم اعم از مخالف و یا منتقد را چگونه ارزیابی میکنید؟**

جابر کلبی : رسانه های موجود را می توان به چند دسته تقسیم نمود :

(۱) رسانه های **وابسته** به جناح هایی از رژیم که در رقابت با **جناح حاکم** قرار دارند و در مواردی **برخی** رخدادهای و اخبار را پخش می کنند،

(۲) رسانه های کشورهای **امپریالیستی** که در عین پخش **اخبار عمومی** ایران، بطور متمرکز بر اشاعه اخبار و رخدادهای معین و دست چین شده که منطبق با منافع آنها در ایرانست، می پردازند. این رسانه ها با برد و **کمیت عظیمی** که دارند، **تأثیر** وسیعی بر افکار عمومی می گذارند،

(۳) رسانه های سازمان های سیاسی **اپوزیسیون** از راست تا چپ که برد و **تأثیر** اجتماعی چندانی ندارند،

(۴) و سرانجام رسانه های **مستقل** که فعالان آن ها از اعضای سابق سازمان های سیاسی می باشند.

باین ترتیب رسانه های مترقی و چپ (۳ و ۴) بخش کوچک و ضعیفی از رسانه های موجود را تشکیل می دهند و در جامعه قادر نیستند در مقابل شرایط **سرکوب** و **سانسوری** که توسط رژیم بویژه علیه نیروهای مترقی و انقلابی به شدت اعمال می شود، **واکنش لازم** را از خود نشان دهند.

***تعریف شما از رسانه مستقل و یا وابسته چیست؟**

جابر کلبی : هنگامی که سخن از **رسانه « مستقل »** است باید روشن کنیم معنای این استقلال چیست و این رسانه ها از چه چیزی مستقل هستند؟ درک من از **استقلال** در این رابطه، **استقلال از رژیم**، قدرت های **امپریالیستی** و نیز سازمان ها و **گروه های سیاسی** مشخص است. این رسانه های « مستقل » اما در عین حال دارای **جهانبینی طبقاتی** معینی هستند و در سمت گیریهای سیاسی خود، کم یا بیش **منافع گروه معین** اجتماعی را مد نظر دارند. از این رو، از نظر سیاسی و طبقاتی « **استقلال** » مبنایی ندارد. من بیشتر ترجیح می دهم سخن از رسانه های « **ضد رژیم** » نام برم.

***چه تدابیر و مکانیزمی را برای عبور و یا شکستن دیوارهای سانسور و خفقان ضروری میدانید؟**

زنان و جلوگیری از رشد ایده‌های مترقی در جامعه وارد عمل شدند و قانون‌های جدیدی در زمینه **سانسور مطبوعات**، بویژه در مورد مسایل زنان وضع می‌گردد. در چارچوب این قانون‌ها، کسانی که نسبت به وضعیت زنان انتقاد می‌کردند یا علیه **چادر** و **حجاب اسلامی** مطالبی منتشر می‌نمودند، باید مجازات شوند.

نفوذ **قوانین اسلامی** در تعیین وضعیت حقوقی زنان در دوران حاکمیت **خاندان پهلوی** که گویا با «**کشف حجاب**» و «**انقلاب سفید**» زنان را از قید و بندهای اجتماعی «**آزاد**» کرده است، نیز ادامه داشته و جز در موارد سطحی و **ظاهری**، **وضعیت اجتماعی** و **حقوقی** زنان تغییر چندانی نکرده است. هنگامی که نظارت روحانیون بر قوانین و تصمیمات مجلس، بعنوان یک اصل ارگانیک در قانون اساسی **شاهنشاهی** گنجانده شده است، چگونه می‌توان توقع داشت که وضعیت **حقوقی زنان** دست خوش **تغییراتی** اساسی شود؟

محرومیت زنان از حقوق انسانی و لزوم مبارزه آنان برای رسیدن به **آزادی و برابری** اولین بار توسط حزب **کمونیست** ایران مطرح شد و در **جنبش مشروطه** و بعدها در ایجاد جمعیت‌های مختلف زنان تأثیر بسزایی داشت. پس از جنگ دوم جهانی، **حزب توده** نیز در تقویت جمعیت‌ها و جنبش زنان نقش داشت ولی از نفوذ خویش در جنبش زنان برای پیش برد سیاست‌های فرصت طلبانه و سازش کارانه که در **چارچوب منافع** و سیاست بین المللی **اتحاد شوروی** تنظیم می‌شد، استفاده می‌کرد. بطور کلی، **جنبش سنتی کمونیستی** گرچه مسایل زنان را مطرح کرده و برای رهایی آن‌ها از روابط و شرایط عقب مانده **جامعه طبقاتی**، سیاست و تئوری‌های قابل توجهی تدوین کرده است ولی در عمل نه تنها کوششی در تحقق آن‌ها نشد بلکه مبارزه در جهت حل مسایل زنان به آینده نامعلومی که هیچ‌گاه متحقق نشد، محول گردید. **تفکیک مبارزه** برای کسب **حقوق زنان** از مبارزه طبقاتی، شرایط را برای ادامه روابط **مردسالاری** در جامعه فراهم کرد. این واقعیت که مسایل زنان بخشی تفکیک ناپذیر از مسایل **انقلاب اجتماعی** است و تکامل جامعه بدون کوشش در دگرگون ساختن وضعیت زنان امکان پذیر نیست، بدست فراموشی سپرده شد.

در **جنبش چپ و کمونیستی** ایران نیز فرهنگ **مردسالار** جای خود را دارد و در اشکال مختلف خود را تولید و باز تولید می‌کند. در برنامه و سیاست اغلب جریانات **چپ ایرانی** اصولاً مسایل **زنان** جای ویژه‌ای اشغال نمی‌کند و برخورد به این مسایل با همان بینش سنتی انجام می‌گیرد که **مشکلات زنان** را روبروایی و تابعی جزئی از تغییرات زیر بنایی می‌داند و به این

وسیع آن‌ها در **جنبش‌های انقلابی** از **مشروطیت** گرفته تا قیام مردم ایران علیه **رژیم شاهی**، شرکتی وسیع و نقشی تعیین کننده بود. **حضور فعال زنان** در تمام حوزه‌های **مبارزه** و اشکال متنوع آن، چنان است که بدون این عنصر مهم اجتماعی، هیچ جنبش و مبارزه‌ای به پیروزی نمی‌رسد.

با این همه و علارغم شرکت تعیین کننده‌ی **زنان** در **مبارزات اجتماعی**، ما کمتر با بهبود وضعیت اجتماعی آن‌ها، پس از پایان هر دوره از مبارزه هستیم. اگر مبداء حرکت اجتماعی و سیاسی زنان **راجنبش تنباکو** و **جنبش مشروطه** بگیریم (هر چند که زنان در اغلب **جنبش‌های اجتماعی** و سیاسی تاریخ ایران هم‌واره و در اشکال مختلف شرکت داشته‌اند!) و سپس مبارزات آن‌ها جهت **دموکراتیزه** کردن حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوران‌های پس از جنگ دوم جهانی (**جنبش ملی** کردن **صنایع نفت**، ۳۰ تیر و ...، و قیام زحمت کشان ایران علیه **رژیم پهلوی**) را به یاد بیاوریم آنوقت در خواهیم یافت که در هیچ-کدام از این مراحل مبارزه، نه تنها کوچک ترین **گشایشی** در زمینه **مشکلات** و مسایل اجتماعی و سیاسی **زنان** ایجاد نگردید بل که در این میان حتا خواست‌ها و نیازهای اجتماعی آنها نیز مطرح نشده است. برای مثال در **جنبش مشروطه**، شرکت زنان تنها محدود به حضور توده‌ای آن‌ها در **میتینگ‌ها** و تدارک جبهه نبرد نمی‌گردید و در زمینه‌های دیگر، از جمله تشکیل گروه‌های مسلح در سنگرهای مقاومت علیه ارتجاع را نیز شامل می‌شد. **اجساد دختران**، که با پوشیدن لباس مردانه در سنگرها می‌جنگیدند، تنها نمونه‌ای از **شرکت زنان انقلابی** در **جنبش مشروطه** است. در همین نمونه تاریخی، ما شاهد موقعیت غم انگیز زنان و نفوذ تابوها و **تجبر مذهبی** در جامعه عقب مانده سنتی می‌باشیم. آن‌ها ناگزیر می‌شوند برای شرکت در مبارزه، **هویت جنسیتی** خود را در زیر لباس «مردانه» پنهان کنند تا در تصادم با سنت‌های **ارتجاعی** جامعه قرار نگیرند. نتایج **جنبش مشروطه** نشان داد که در این جنبش نه تنها به مسایل زنان توجه نشد بلکه در قانون‌های مصوب مجلس، زنان کماکان **فاقد حقوق** اجتماعی اند. با این همه، شرکت عملی زنان در مبارزات سیاسی می‌رفت تا شرایط اجتماعی را بسود زنان تغییر دهد. پس از جنبش مشروطه، زنان کوشیدند سازمان‌های ویژه خود، از قبیل «**نسوان وطن خواه**»، «**بیداری نسوان**»، «**پیک سعادت**»، «**مجمع انقلاب نسوان**» و ... را تشکیل دهند و از این طریق مسایل خاص خود را در **جامعه سنتی** اسلام زده مطرح سازند. درست در همین رابطه است که **روحانیون** برای **سرکوب** جنبش

است که بدون آن **مبارزه انقلابی** مفهوم واقعی خود را از دست خواهد داد. از این رو **سازماندهی نیروی مستقل زنان** برای مبارزه در سطوح مختلف اهمیت تعیین کننده‌ای می‌یابد. این **مبارزه** اما، بدون ارتباط با نیروهای دیگر جامعه و جدا از روند عمومی ضد سرمایه داری ره به جایی نمی‌برد.

یکی از **کمبودهای** اساسی که تاکنون شرکت فعال زنان در **جنبش های سیاسی و اجتماعی** داشته است، مطرح نکردن خواست ها و مسایل ویژه خود در مبارزه علیه نظام حاکم بوده است. در حالی که مسایل ویژه زنان بخش مهمی از مسایل اساسی **انقلاب** اند. از این رو، در هر جنبش سیاسی و اجتماعی بایداهمیت خاصی به **شعارهای ویژه زنان** داده شود. شرکت زنان در مبارزه باید از حالت **جنبی، تبعی و فزیکتی** خارج شده تبدیل به حرکتی سیاسی گردد.

جنبش اجتماعی زنان در عین حال متأثر از منافع طبقاتی **متخاصم** نیز هست. جریانات بورژوازی چه در حاکمیت و چه در خارج از آن می کوشند تا این جنبش را **منحرف** ساخته در خدمت منافع طبقاتی خود قرار دهند. اختراع عنوان‌های بی‌مثمایی چون « **فمینیسم اسلامی** » از این دست است. اما رشد و گسترش مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی و شرکت گسترده زنان در این جنبش بیان گر شکست برنامه های تحمیلی رژیم در مورد زنان است. **زنان مبارز** به خوبی دریافته اند که **رژیم فاسد** و **قوانین ارتجاعی اسلام** همانند مذاهب دیگر، ذاتاً زن ستیز و عمیقاً ضد بشری اند. قوانین و ضوابط اسلامی چه در حاکمیت و چه در خارج از آن ماهیتاً یکی است و در هر شکل و شمابلی هم که عرضه شوند، جز **سرکوب** و **دیکتاتوری** لجام گسیخته علیه همه زحمت کشان، بویژه زنان حاصلی نخواهند داشت.

از این رو، راه رهایی زنان از قیدها و بندهای قرون وسطایی که امروز نظام سرمایه داری علیه زنان اعمال می کند، راه **مبارزه برای سوسیالیسم** است. در این راستاست که زن و مرد **کارگر و زحمت کش** به اتفاق یک دیگر، جامعه‌ای آزاد و خالی از **تبعیض طبقاتی، نژادی و جنسیتی** را پی خواهند ریخت. در این **مبارزه زنان** ایران بعنوان بخشی تفکیک ناپذیر از جامعه جهانی، تنها نیستند و مبارزه آن ها به مرزهای ایران محدود نمی شود. **آزادی زن ایرانی**، مثل آزادی هر قشر و طبقه‌ی به بند کشیده‌ای در دوران کنونی، جز از طریق هم بستگی جهانی میان نیروهای انقلابی ضد سرمایه داری امکان پذیر نیست.

ترتیب آن را به بعد از **انقلاب** محول می کند. در حالی که در واقعیت اما، مسایل زنان یکی از مهمترین و اساسی ترین مسایل **جامعه طبقاتی** است و مربوط به چگونگی تقسیم کار اجتماعی در روند تولید و باز تولید و حیات مادی است.

شرکت وسیع زنان در مبارزه علیه رژیم شاه و نقش اساسی آن ها در قیام ۱۳۵۷ در ایران نه تنها هیچ کمکی به ایجاد شرایط مناسب برای زنان نکرد بل که اولین قربانی **ستمگری رژیم اسلامی زنان** بودند.

همانطور که در پیش گفتیم، **نقش فعال زنان** در جنبش های اجتماعی ایران کمتر دست آوردی بسود بهبود وضعیت **ناهنجار** اجتماعی آن ها داشته است. سهم **نیروهای چپ** و **کمونیست** در ناکاکی جنبش زنان در روند **مبارزات اجتماعی** را نباید فراموش کرد. این جریانات بدون توجه به ویژگی‌های **جنبش زنان** کوشیدند از آن به عنوان وسیله‌ای جهت تحقق اهداف و سیاست های عمومی خود استفاده کنند. اغلب این **نیروها** که در حقیقت باید پرچمدار **آزادی و رهایی زنان** باشند خود تصور مغشوش و ناروشنی از نقش و اهمیت آزادی زنان در روند انقلاب اجتماعی و **دموکراتیزه** کردن شرایط **جامعه** و در نتیجه در **گذار** به **جامعه آزاد** و رها داشتند و متأسفانه هنوز هم چنین تفکری بر بخش وسیعی از جریانات سیاسی حاکم است.

در این هیچ شکی نیست که زنان و مردان **کارگر** و زحمت کش تنها به اتفاق و در یک **سازماندهی طبقاتی مشترک** میتوانند روند دگرگونی بنیادی جامعه را در جهت رهایی **ازقید** و بند روابط سرمایه داری که علت اصلی نابسامانی، **استثمار**، فقر و **مذلت** و **تحمیل نظام مرد سالار** است، آغاز کنند.

با این همه طرح مسایل ویژه **زنان و مبارزه** آن ها در جهت تحقق **تساوی** و حقوق **برابر** با مردان، حتا در سازمان های طبقاتی نیز ضرورتی اجتناب ناپذیر است. باید بر این واقعیت تاکید نمود که زنان بعنوان نیمی از جامعه همواره در زیر ستم و **اجحاف مضاعف** که ناشی از مذهب، سنت های عقب مانده و تقسیم کار اجتماعی سرمایه داری است، قرار دارند و کوشش برای دگرگون ساختن این شرایط علاوه بر نبرد عمومی ضد سرمایه داری، کوشش ویژه ایست که حامل اصلی آن خود **زنان** هستند.

در یک کلام زنان در جامعه سرمایه‌داری علاوه بر **مبارزه عمومی** علیه این نظام، ناگزیرند در درون **جنبش انقلابی** نیز علیه آداب، سنت‌ها و امتیازات مردسالاری نیز به **مبارزه** برخیزند. این نبرد عنصری تفکیک ناپذیر در **مبارزه طبقاتی** در راه **سوسیالیسم**

گروههای چریکی

در سال های قبل از ۵۰ در دانشکده فنی تهران فردی به نام **حبیب برداران خسروشاهی** تحصیل می کرد که به شدت تحت تأثیر برادر بزرگترش به نام **دکتر غلامرضا برداران خسروشاهی** و همچنین شخص دیگری موسوم به **دکتر خیرابی** قرار داشت. برادر بزرگتر که تحصیلاتش را در ایالات متحده آمریکا به پایان رسانده بود، عضو سازمان **تروتسکیست ها** هم بود، در حالیکه دکتر خیرابی از **مشی حزب توده** پیروی می کرد. دکتر خیرابی و غلامرضا برداران خسروشاهی روی دیگر اعضای خانواده از جمله **محمد برداران خسروشاهی** تأثیر گذاشته بودند.

حبیب برداران خسروشاهی



حمید اشرف

که با **حمید اشرف** تماس داشت به عنوان « عضو آشکار » سازمان **چریک های فدایی خلق** وظیفه تدارکات را به عهده داشت و از این سو مسائل را با برادر، پسرعمو و دکتر خیرابی مطرح می ساخت. از طرف دیگر چند نفر از دوستان

حبیب برداران خسروشاهی نظیر **مختارزاده** و **مختاری**، دوره ذوب آهن را در **اتحاد جماهیر شوروی** گذرانده بودند و از همان زمان مسائل کشورهای کمونیستی و نحوه کار در آنجا را برای حبیب می نوشتند. او به اتفاق سایر دوستانش و از جمله **برادرزاده تیمسار سپهبد حجت کاشانی** در قسمت ساختمان های تأسیسات ورزشی کار می کردند. قرار بود بازی های آسیایی در ایران انجام پذیرد و **چریک ها** تصمیم گرفتند که بازی های آسیایی را به خاک و خون بکشند.

در همین موقع درست **۴ شاخه کمونیستی** و **۲ شاخه جاسوسی روسی- انگلیسی** همزمان و در کنار یکدیگر به فعالیت علیه مردم ایران مشغول بودند. از این میان **گروه اول (ایرج خلف بیگی، اکبر طنازی، محمد برداران خسروشاهی، کاظم دلشاد خوشخو، ابوالحسن صدر زاده و ناهید خیرابی)**، وابسته به حزب **توده** بود. **گروه دوم (داریوش درویش تبار، کیکاوس بهزادی تهرانی، شیرین درویش تبار، فاطمه تهرانی و دو نفر افسریار ضد اطلاعات نیروی هوایی)** وابسته به سازمان **چریک های فدایی خلق** بود. **گروه سوم (ایرج نخعی مختارزاده، مختاری، ابراهیم زاده، عباس پور و مرتضی ماهروی)** وابسته به سرویس های اطلاعاتی روسی بودند. **گروه چهارم را حبیب برداران خسروشاهی**

وابسته به **چریک های فدایی خلق**، دکتر **غلامرضا برداران خسروشاهی**، وابسته به سازمان **تروتسکیست ها** و **دکتر خیرابی** عضو سازمان **جوانان حزب توده ایران**، تشکیل می دادند. خوشبختانه با هوشیاری **مأموران میهن پرست اداره ساواک و اداره مشترک همه طرحها و توطئه های آنها** برای به **خاک و خون** کشاندن بازی های آسیایی خنثی شد.

در این زمان **حزب توده** و همه شاخه ها و گروههایی که از آن متولد شده بود، در زندان به وسیله عزیز یوسفی، علی خاوری، یوسف کش زاده، محجوبی نمین، داوری، عیسی بیگلر، غنی بلوریان، معتمدی ها، اعتمادزاده (به آذین)، عمویی، شلتوکی، سیامک ستوده، شکرالله پاک نژاد، مسعود بطحایی، غلامرضا زمانیان، بهزاد نبوی، اصغر پاشازاده منجمی، ناصر کاخساز، صفا بیژن زاده، سیامک لطف الهی، اکبر ایزدپناه و رحیم بنانی با عوامل مذهبی نظیر **حاج عراقی، اکبر هاشمی بهرمنی (رفسنجانی)**، **عبدالرحیم ربانی شیرازی، حسینعلی منتظری**، **عباس سالاری، حبیب عسگر اولادی**، **سلیمان ابوالفضل حیدری، سید محمود علایی طالقانی**، **حسن لاهوتی اشکوری، عبدالمجید معادی خواه**، **محمد خلیل نیا و عبدالرضا حجازی**، ارتباط برقرار کردند و این روابط را خارج از زندان نیز ادامه دادند.

از سوی دیگر دستگاه های تبلیغاتی مملکت یعنی رادیو و تلویزیون همچنین **کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان** که توسط **فرح دیبا** و همپالگی هایش اداره می شد، به صورت مرکزهایی برای **عضوگیری** سازمان های به اصطلاح انقلابی در آمده بود و حضور **رضا قطبی** پسردایی **فرح دیبا** در **رأس** سازمان **رادیو تلویزیون ملی ایران و لیلی امیر ارجمند** دوست، همدم و مشاور **فرح دیبا** در **رأس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان** باعث زمینه سازی **فاجعه ۵۷** شد. ماجرای قهرمان ساختن از **خسرو گلسترخی** توسط برادر همسرش **ایرج گرگین** مزدور بیگانه (که اکنون مسئولیت بخش فارسی رادیوی بیگانه به نام **رادیو آزادی**، **رادیو فردای سابق را دارد**) که خود از **کمونیست های** دیروزی بود و در رادیو تلویزیون مسئولیت داشت و یا موضوع **استخدام سه افغانی وابسته به اتحاد شوروی** به عنوان ایرانی در رادیو تلویزیون، ثابت می کند که در رژیم پهلوی، دستگاه تبلیغاتی کشور در دست دشمنان ایرانزمین بوده است. (موضوع قهرمان سازی **گلسترخی** از این قرار بود که دادگاه او به بطور علنی با تبلیغات علیه رژیم برگذار شد و در **۲۹ بهمن ۵۲** اعلام شد که **گلسترخی** توسط رژیم **اعدام** گشت. در صورتیکه با برنامه ریزی های **مشاورین شاه** و مزدورانی چون **فرح دیبا و ایرج گرگین**، وی به **پاریس تبعید** شد و مقدار زیادی مقرر برایش تعیین گشت. در آخرین خبر (فوریه ۲۰۰۹) **خسرو گلسترخی** ملاقاتی با **مریم اتحادیه** در یکی از کافه های پاریس داشت. (نقل قول از اتحادیه) هم اکنون **مریم اتحادیه** برای دیدار از مادر بیمارش در ایران به سر می برد.)

یعنی مهمترین افراد، جلسه داشتند. سرشاخه ها از جمله، طاهره خرم، گلرخ مهدوی، مهدی فوقانی، یوسف قانع خشکه بیجاری، محمدرضا یثربی، غلامرضا لایق، بهزاد امیری، محمد حق نواز، بهنام امیری و ... در این جلسه حضور داشتند.

در حملهٔ مأموران ساواک و کمیته مشترک به این خانه تیمی، با درگیری دو طرف، حمید اشرف و افراد نامبرده کشته می شوند. به این ترتیب به عمر حمید اشرف و ۱۰ سرشاخه مهم چریک های فدایی پایان گذاشته شد و بقیهٔ اعضا هم یا دستگیر و یا طی درگیری های مسلحانه دیگر کشته شدند.



تا این که در زمان نخست وزیری شریف امامی و بختیار (عوامل انگلیسی) حدود شش هفت نفر از عوامل باقی ماندهٔ آنها که در زندان بودند، آزاد شدند.

اشرف دهقانی نیز یکی از چریک های فدایی خلق بود که پس از فرار از زندان به شهرت رسید و با ارتکاب یک قتل، این شهرت را تکمیل کرد. نامبرده در ارتباط با فعالیت های تروریستی سازمان چریک های فدایی خلق دستگیر شده و پس از محاکمه به زندان قصر منتقل شده بود. اشرف دهقانی با دختر دیگری به نام ناهید هم زندان بود. اشرف طی ملاقات های خود با مادرش و طی یک برنامه از پیش تنظیم شده با همکاری چریک ها و مأموران مزدور زندان، موفق به فرار می شود. (طی



اشرف دهقانی

یک برنامه از پیش تعیین شده، اشرف دهقانی از مادرش می خواهد که همیشه در ملاقات ها یک چادر نماز اضافی با خود داشته باشد، ناهید هم عین همین تقاضا را از مادرش می کند. این برنامه چند بار تکرار می شود تا سرانجام در یک فرصت مناسب اشرف دهقانی با به سر کردن چادر نماز موفق به فرار از زندان می شود. مأموران زندان که همیشه

سازمان های چریکی، چه مجاهدین و چه چریک های فدایی، دارای سه نوع عضو بودند: ۱- هواخواهان که سمپات ها گفته می شدند ۲- اعضای آشکار ۳- اعضای مخفی. سمپات ها با آموزش و درک مسائل ایدئولوژیک رفته رفته در ردیف اعضای آشکار در می آمدند و سپس با گرفتن مسئولیت های عملیاتی تبدیل به اعضای مخفی می شدند. سازمان فدائیان خلق دارای ۱۴ خانهٔ تیمی بود که زیر نظر حمید اشرف و نسترن آل آقا اداره می شد. یکی از خانه ها خانهٔ تیمی حمید اشرف بود که در طبقه اول و در یکی از خیابان های فرعی تهران نو و نزدیک یک مدرسه قرار داشت. نام اصلی صاحبخانه روشن ضمیر بود.

این خانه تیمی بعدها توسط ساواک شناسایی شده و مورد مراقبت قرار گرفت و سپس اقدام حمله به آن می شود. در این جریان حمید اشرف از معرکه گریخت و سرانجام مأموران طی یک درگیری که منجر به قتل مابقی چریک های مسلح گردید، وارد منزل می شوند که در آنجا با جنازه های دو کودک ۹ و ۱۲ ساله به اسامی ناصر شایگان شام اسبی و ارژنگ شایگان شام اسبی مواجه شدند که هر یک با تنها یک گلوله، آن هم از فاصله نزدیک در مغز کشته شده بودند. بعدها در جریان اعتراضات از دستگیر شدگان فاش شد که حمید اشرف پس از آگاهی از محاصره شدن منزل و به این خاطر که مبادا در صورت دستگیری این دو کودک مشاهداتشان را برای مأموران تعریف کنند با شلیک دو تک تیر آنها را به قتل رسانده بود.

با همهٔ مراقبت هایی که مأمورین به عمل آورده بودند، حمید اشرف ساعت شش و نیم صبح قبل از تسخیر خانهٔ تیمی فرار کرد و به یک خانهٔ تیمی دیگر در کوچه نیازی واقع در قاسم آباد تهران نو رفت و چون احساس خطر کرد از آنجا هم گریخت. در این مرحله از فرار که ساعت ۹ صبح بود، حمید اشرف با اتومبیل گشت کلانتری محل مواجه می شود، او به طور ناگهانی با مسلسل به سوی آنها رگبار می گشاید و سرنشینان اتومبیل که یک افسر کلانتری، دو نفر مأمور و یک راننده بوده اند، به قتل می رسند. حمید اشرف اتومبیل گشت را تصرف کرده و به طرف میدان محسنی حرکت می کند. در میدان محسنی نیز یک سرهنگ را می کشد و به این ترتیب تنها ظرف چند ساعت مرتکب ۷ فقره قتل، آن هم قتل بیگناهان می شود و می گریزد.

حمید اشرف و دیگر اعضای چریک های فدایی خلق تحت تعقیب قرار گرفتند. تا روز ۸ تیر ۱۳۵۵، که به موجب اطلاعات رسیده به مأموران ساواک، آنها در آن روز در طبقه دوم خانه ای درست مقابل در شمالی قلعه مرغی، با حضور حمید اشرف به عنوان رهبر چریک های فدایی خلق و ده نفر دیگر از سرشاخه های سازمان

مشکل بزرگ، امروز برپائی یک دولت گسترده و باثبات است که بتواند به خوبی انجام وظیفه کند و در رویارویی با چالش های بزرگی که در برابر اسرائیل قرار گرفته پیروز شود. تنها راهکاری که ظاهراً در برابر کشور اسرائیل قرار دارد، برپائی یک حزب وحدت ملی با حضور سه حزب اصلی کشور (کادیم، لیکود، کارگر) است که می تواند ۶۸ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان را در اختیار داشته باشد و از وابستگی به حزب راست گرای یسرائیل بیتینو (اسرائیل خانه ماست) به رهبری اویگدور لیبرمن و شراکت با حزب مذهبی شاس بی نیاز باشد و به تغییر سیستم انتخاباتی اسرائیل پردازد.

ولی چنین دولتی نمی تواند کارساز باشد، زیرا دیدگاه های لیکود (راست)، کادیم (مرکز) و کارگر (چپ) در مورد شیوه پیشبرد صلح با فلسطینی ها و سوریه همونوا نیست - ولی در عین حال می تواند برخی مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی کشور را به خوبی حل کند.

با توجه به آن که چنین دولتی توسط دو حزبی اداره خواهد شد که تنها یک کرسی با هم فاصله دارند، شیوه طبیعی آن است که دوران چهارساله نخست وزیری بین نتانیاهو و لیونی تقسیم شود. پیشنهاد برپائی دولت وحدت ملی در سخنرانی تسیبی لیونی پس از اعلام نتایج موقت انتخابات، عنوان گردید. ولی او خواستار شد که ریاست چنین دولتی را خود به دست گیرد، و این در حالی که بنیامین نتانیاهو مصمم است مقام نخست وزیری را به خود اختصاص دهد و حتی تماس هائی را با سران احزاب دیگر آغاز کرده است. لیبرمن در سخنرانی پس از انتخابات اعلام کرد که ترجیح می دهد در یک دولت راستی به رهبری لیکود عضویت یابد، گرچه عضویت در دولت لیونی را نیز نفی نمی کند. ولی اهود باراک رهبر حزب کارگر گفت که اصراری برای شرکت در دولت آینده ندارد و حتی ترجیح می دهد که در مقام اپوزیسیون قرار گیرد و به تقویت خود پردازد.

حزب کارگر که در دوران شکوفائی خود در دهه های نخستین استقلال اسرائیل به ۴۸ کرسی هم رسیده بود، در این انتخابات به ۱۳ کرسی سقوط کرده است.

با توجه به آن که آراء سربازان و شهروندان اسرائیلی خارج از کشور هنوز شمرده نشده و در طول ساعات امروز (چهارشنبه ۲۳ یهمن ماه ۱۳۸۷- ۱۱ فوریه ۲۰۰۹) انجام خواهد گرفت، ممکن است تغییراتی جزئی در نتایج انتخابات ایجاد گردد، به ویژه آن که پس از تقسیم کرسی ها، همیشه مقداری رأی باقی می ماند که قانون شیوه انتقال آن را به فراكسیون هائی که وارد

توجه داشتند عده ملاقات کننده هنگام ورود و خروج به یک اندازه باشد، پس از فرار اشرف دهقانی و هنگامی که ناهید و مادرش قصد فرار داشتند، موضوع را در می یابند. از این سو چریک های دیگر با اتومبیل و سایر تمهیدات، بیرون از زندان منتظر بوده و به محض خروج اشرف دهقانی از زندان، او را به سرعت از محل دور می سازند.

پس از چندی اشرف دهقانی مرتکب قتل سروان همدریف نیک طبع می شود به این ترتیب که یک روز در خیابان پاستور در حالیکه بیژن نیک طبع فرزندان خود را به مدرسه می برد، چریک های فدایی با ایجاد راه بندان بچه ها را از اتومبیل پیاده می کنند و اشرف دهقانی در مقابل چشم بچه ها، نیک طبع را به قتل می رساند. بعد از این قتل، اشرف دهقانی به آلمان رفت و در فرانکفورت با کنفدراسیون دانشجویان و همچنین حزب توده تماس گرفت. پلیس آلمان به درخواست دولت ایران به تعقیب اشرف دهقانی پرداخت و او ناگزیر خاک آلمان را ترک و به عراق رفت. در جریان فاجعه ۵۷ نامبرده به ایران بازگشت و در کردستان با حزب کومله همکاری کرد.

از بدو تأسیس سازمان چریک های فدایی تا آزادسازی زندانیان توسط شریف امامی و بختیار و فاجعه ۵۷، تعداد ۱۵۵ نفر از چریک های فدایی در درگیری ها کشته شده بودند : ۱- کشته شدگان ادعایی زیر شکنجه (۷ نفر) ۲- اعدام به موجب حکم دادگاه ۳۶ نفر ۳- کشته شدگان در حین فرار از زندان به ادعای مقامات قانونی و یا قتل آنها توسط مأموران به ادعای چریک های فدایی خلق (۶ نفر) ۴- مقتولین در درگیری های مسلحانه (۱۰۶ نفر).

دکتر آرمان نوری

گزارش کامل انتخابات پارلمانی اسرائیل

سایت فارسی وزارت خارجه اسرائیل

<http://hamdami.com>

کادیم بیشترین کرسیها را به دست آورد، ولی بخت لیکود برای برپائی دولت بعدی اسرائیل بیشتر است.

پس از شمارش تقریباً ۹۸ درصد از آرای شهروندان اسرائیلی در جریان انتخابات هیجدهمین دور پارلمانی، گرچه حزب کادیم بیشترین کرسی ها را به دست آورده و بر لیکود برتری یافته، ولی در مجموع پیروزی نهائی متعلق به جناح راست اسرائیل است و احزاب چپ ضعیف شده اند و حزب کارگر به پائین تر شمار نمایندگان در پارلمان سقوط کرده است.

تسبیی لیونی در سخنرانی پیروزی انتخاباتی خود در نیمه شب گذشته، ضمن آن که نتانیاهو را به برپائی دولت وحدت ملی به ریاست خود فرا خواند گفت: حمایت از یکپارچگی سرزمین اسرائیل به احزاب راست گرا اختصاص ندارد، همان گونه که صلح خواهی در انحصار جناح چپ نیست. او گفت: همه احزاب ملی باید سنگینی بار مسوولیت و حساسیت شرایط را احساس کرده و برای رویارویی با آن آستین ها را بالا بزنند.

بنیامین نتانیاهو گفت: اسرائیل در برابر سختی های بسیار قرار دارد و خطر جمهوری اسلامی ایران روز به روز قوی تر می شود و باید برای آن راه چاره ای یافت. اقتصاد جهانی با شدیدترین بحران خویش روبروست و اسرائیل نیز از آن آسیب پذیر شده است و باید یک دولت قوی اداره کشور را به رهبری او به دوش بگیرد. او افزود: با رهبران جناح ملی (راست) تماس گرفته و خواهد کوشید با آن ها راه دولت آینده را هموار کند.

آگاهان گفتند: تاکتیک نتانیاهو آن است که از طریق همکاری با احزاب راست گرا، هرگونه احتمال موفقیت لیونی را در تشکیل دولت بعدی به رهبری خود به بن بست بکشاند.

اویگدور لیبرمن در سخنرانی پیروزی حزب خود (که در تاریخ اسرائیل سابقه ندارد)، دوباره تأکید کرد که میزان برخورداری شهروندان از حقوق کشوری، باید بر حسب میزان وفاداری آن ها به کشور باشد. اشاره لیبرمن به رهبران احزاب عربی اسرائیل است که از یک سو از همه مزایای دموکراسی این کشور برخوردارند و از سوی دیگر گاهی سخنانی می گویند که عملاً نفی موجودیت یهودی اسرائیل تلقی می شود. در یک مورد (حزب بلد) رهبر آن عزمی بشاره به سخنانی ضد موجودیت یهودی اسرائیل اکتفا نکرد و به همکاری اطلاعاتی با حزب الله لبنان در زمان جنگ (تابستان ۲۰۰۶) پرداخت و با آن که از اسرائیل گریخته، از حقوق بازنشستگی و مستمری ماهیانه که از جانب کنست (پارلمان اسرائیل) پرداخت می شود، همچنان برخوردار است. لیبرمن گفت: خواهان همکاری با لیکود است، ولی دیگران را هم رد نمی کند. با این همه وی اشاره کرد که مایل به حضور شاس در دولت بعدی نخواهد بود، زیرا رهبران احزاب مذهبی کوشیده اند به او انگ بزنند.

منشه امیر در مصاحبه هائی با چند رادیو و تلویزیون فارسی زبان برون مرزی، شب گذشته و امروز گفت: دولت آینده اسرائیل رسالت های سنگینی به عهده دارد. نه تنها باید سیستم انتخاباتی کشور را دگرگون سازد تا به روی کار آمدن یک دولت باثبات و قوی امکان پذیر گردد، بلکه باید برای پیشبرد صلح با

پارلمان شده اند تعیین می کند که بعید نیست روی سرنوشت یک یا دو کرسی تأثیر گذار باشد.

با آن که روز گذشته هوای اسرائیل سرد، بارانی و حتی توفانی بود، شمار شرکت کنندگان در رأی گیری سه درصد بیش از انتخابات پیش بود و از ۶۵ درصد فراتر رفت. این حضور گسترده نشان می دهد که شهروندان به اهمیت انتخابات واقف بودند.

همیشه حدود ده درصد از دارندگان حق رای در خارج از کشور به سر می برد و عملاً نمی توانند رأی دهند، زیرا از میان این گروه، تنها ملوانان و فرستادگان رسمی کشور به خارج حق رأی دارند.

نتایج اعلام شده شمارش آراء تا ساعت ده بامداد به وقت اسرائیل (۱۱:۳۰ پیش از ظهر به وقت تهران) از این قرار است: کادیما (مرکز) ۲۸ کرسی، لیکود (راست - مرکز) ۲۷ کرسی، ییسرائیل بیتینو (راست) ۱۵ کرسی، کارگر (چپ - مرکز) ۱۳ کرسی، شاس (مذهبی اورتودوکس شرقی تباران) ۱۱ کرسی، یهودت هتورا (مذهبی اورتودوکس غربی تباران) ۵ کرسی، ایخود لئومی (راست) ۴ کرسی، حاداش (کمونیستی - عربی) ۴ کرسی، رعم تعل (عربی) ۴ کرسی، بیت یهودی (مذهبی - راست) ۳ کرسی، مرتس (چپ) ۳ کرسی، بلد (عربی افراطی) ۳ کرسی.

با توجه به این نتایج، می توان ارزیابی کرد که جناح راست (۴۶ کرسی) با همکاری جناح مذهبی (۲۰ کرسی) که آن هم گرایشهای آشکار دست راستی دارد، جمعاً می توانند از ۶۶ کرسی برخوردار شوند که امکان برپائی یک دولت قوی و با ثبات را به وجود می آورد. ولی نتانیاهو به برپائی چنین دولتی گرایش ندارد، زیرا می داند که احزاب راست امکان پیشبرد صلح با فلسطینیان و سوریه را نخواهند داد که این امر ممکن است بر روابط آینده اسرائیل با ایالات متحده بازتاب منفی داشته باشد و موجب انزوای اسرائیل در صحنه بین المللی گردد.

از سوی دیگر، لیونی اگر بخواهد تنها به احزاب مرکز و چپ اتکا کند، حداکثر از ۴۴ کرسی برخوردار خواهد بود که حتی با شراکت لیبرمن (۱۵ کرسی)، هنوز به حضور یک حزب دیگر (شاس؟ با ۱۱ کرسی) نیاز خواهد داشت. شاس خواهان افزایش مستمری خانواده های پرولاد است که در شرایط بحران اقتصادی کنونی در اسرائیل و جهان، بار سنگینی بر بودجه آینده اسرائیل خواهد بود و نه کادیما و نه لیکود گرایشی به پذیرفتن آن ندارند. از سوی دیگر، اگر لیبرمن وارد کابینه لیونی شود، شرط او سخت گیری در مذاکرات صلح با فلسطینی ها خواهد بود.

درگیری شدند و از چریک‌های فدایی خلق خواستند به تیراندازی خاتمه داده و متفرق شوند.

به نوشته روزنامه اطلاعات «گروه‌های مسلح از مردم، چریک‌های مجاهد افراد نیروی هوایی نیز در حدود ساعت یازده و بیست دقیقه به چریک‌ها پیوستند. همچنین اطلاع داده شد که یک آمبولانس که پنج آمریکایی و دو نفر دیگر سرنشین آن بودند توسط چریک‌ها تصرف شد و آن‌ها را به کمیته بردند.»

به گزارش روزنامه اطلاعات، «سرانجام سفارت آمریکا به تصرف ارتش انقلاب و چریک‌ها درآمد. مأموران سفارت آمریکا و تفنگداران دریایی که از داخل سفارت تیراندازی می‌کردند، در این دقایق تسلیم شدند و چریک‌ها و افراد مسلح به داخل سفارت رفتند.»



در این هنگام نمایندگان کمیته انقلاب با بلندگوهای دستی مردم را به آرامش دعوت کردند و آنها را از ایجاد هرگونه آتش‌سوزی و تخریب برحذر داشتند. آنان از مردمی که در خیابان‌های اطراف سفارت اجتماع کرده بودند خواستند که هرچه زودتر پراکنده شوند.

در ضمن دو آمریکایی از داخل سفارت با یک پیکان توسط مجاهدین به محل کمیته برده شدند. کلیه کارکنان و افراد سفارت آمریکا در ساعت ۱۲ امروز در ساختمان مرکزی سفارت اجتماع نمودند و اعلام کردند آماده‌اند با نمایندگان چریک‌ها و ارتش انقلاب مذاکره کنند.

در پی این تقاضا، نمایندگان کمیته انقلاب به ساختمان مرکزی سفارت رفتند. این نمایندگان به مردم اطلاع دادند که حمله به سفارت آمریکا توطئه عمال پس مانده ساواک و دست نشانندگان فاسد رژیم پهلوی است تا بدین وسیله بین ایران و آمریکا اختلافاتی به وجود بیاورند.

فلسطینیان و از میان برداشتن خطر حماس و مقابله با زیاده خواهی های حکومت اسلامی ایران اقدام کرد. یافتن بهترین شیوه های همکاری با دولت پرزیدنت اوباما در ایالات متحده نیز از رسالت‌های دولت بعدی است.

آگاهان سیاسی امروز گفتند: حتی اگر چهار حزب اصلی کشور یک ائتلاف قوی برپا سازند، بعید می نماید که در هیجدهمین دوره پارلمانی نیز بتوان شیوه انتخاباتی در اسرائیل را تغییر داد.

حمله چریک‌های فدایی به سفارت آمریکا



دکتر سعید بشیرتاش

چهارشنبه بیست و پنجم

بهمن ۱۳۵۷ برابر چهاردهم فوریه

۱۹۷۹ میلادی

حمله چریک‌های فدایی به

سفارت آمریکا

به نوشته روزنامه اطلاعات،

در جریان حمله گروه‌های مسلح،

سفارت آمریکا در خیابان تخت جمشید سقوط کرد. به نوشته این روزنامه «تفنگداران دریایی پس از چند ساعت تیراندازی تسلیم شدند.»

این در حالی بود که یک روز قبل جیمی کارتر، رییس جمهور آمریکا در پاسخ به این سوال که آیا خطری دیپلمات‌های آمریکایی را در تهران تهدید نمی‌کند، گفته بود «نه، ما در تماس دائمی با دولت هستیم و مشکلی وجود ندارد.»

به نوشته روزنامه اطلاعات، «کارکنان سفارت از گروه‌های مسلح درخواست مذاکره کردند.» در صفحه اول روزنامه اطلاعات تصویر کارکنان سفارت آمریکا که پس از تسلیم روی زمین نشسته‌اند، چاپ شده است.

به نوشته این روزنامه حمله به سفارت آمریکا توسط چریک‌های فدایی خلق صورت گرفت. بنا به گزارش این روزنامه، چریک‌های فدایی خلق در ساعت ده و نیم صبح به سفارت آمریکا در خیابان تخت جمشید حمله کردند.

دولت آمریکا دیروز تغییر حکومت و دولت جدید را در ایران به رسمیت شناخته بود. در پی درگیری میان تفنگداران آمریکایی و چریک‌های فدایی خلق، نیروهای کمیته انقلاب وارد

چریک‌ها، مجاهدین و کمیته انقلاب اسلامی

چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق و کمیته انقلاب اسلامی برای تشکیل ستادهای انقلابی توافق کردند. در نامه چریک‌های فدایی خلق که برای ابوالحسن بنی‌صدر نوشته شده است، چنین اعلام شد:



نامه چریک‌های فدایی خلق که برای ابوالحسن بنی‌صدر نوشته شده است:

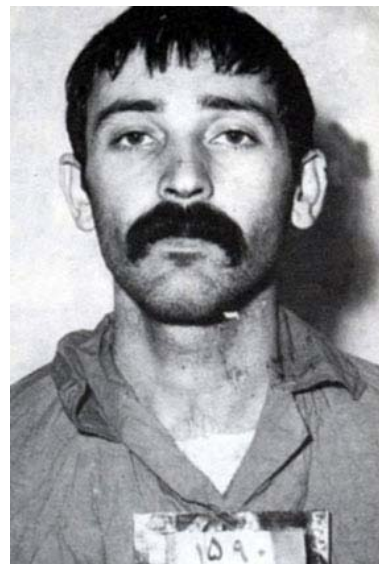
« پیرو مذاکرات نیمه شب روز ۲۳ اسفند ۱۳۵۷ بدین وسیله به اطلاع می‌رساند، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با نظر امام پیرامون تشکیل کمیته‌ای مرکب از مسئولین سازمان و نمایندگان کمیته انقلاب اسلامی جهت هماهنگی و نظارت در استفاده از تجهیزات مصادره شده و رفع اشکالات احتمالی موافقت کامل دارد. اکنون مقتضی است، با تعیین نمایندگان مورد نظر اقدامات لازم جهت تشکیل کمیته مزبور به عمل آید.»

همچنین در پیامی که این سازمان برای پاسداران و مسئولین انتظامات صادر کرده، آمده است: « مطابق مذاکرات و توافقی که صورت گرفته است هرگونه نقل و انتقالات تسلیحاتی به خارج از دانشگاه تحت نظر کمیته‌ای مرکب از نمایندگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و نماینده کمیته انقلاب اسلامی که هم اکنون تشکیل شده صورت خواهد گرفت.»

در ادامه این پیام آمده است: « ضمناً از آنجا که گسترش همگامی و همراهی همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند، همان‌گونه که حیات نه ساله سازمان ما نشان داده است شعار واقعی هر رفیق فدایی است، همراه با همه هواداران و همپای خلق مبارز ایران خواهیم کوشید در عمل و در

مطالعه گزارش صفحه اول روزنامه اطلاعات نشان می‌دهد که مردم هنوز متوجه نشده بودند که سفارتخانه‌های خارجی رسمیت دارند و نمی‌توان به آن‌ها حمله کرد.

براساس اطلاعات منتشره، سفارت آمریکا با پا در میانی و وساطت دولت بازرگان و عباس امیرانتظام به دولت آمریکا تحویل داده شد و بعداً از همین رفتارهای امیرانتظام به عنوان نشانه جاسوسی برای آمریکا نام برده شد.



فرخ نگهدار، از اعضای چریک‌های فدایی خلق

جنگ انقلاب و ضدانقلاب در تبریز

روزنامه اطلاعات نوشت: « ضدانقلاب تبریز را به آتش و خون کشید. » به گزارش این روزنامه گروهی از افراد باقیمانده ساواک و نظامیان طرفدار حکومت پیشین هنوز در مقابل نیروهای انقلاب تسلیم نشده‌اند.

به همین دلیل نیروهای کمیته انقلاب، عامه مردم انقلابی و نیروهای مسلحی مانند مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق برای مبارزه با ضدانقلاب دست به جنگ خیابانی زدند.

در همین حال، حجت‌الاسلام قاضی طباطبایی از روحانیون و رهبران انقلاب در تبریز از ارتش خواست برای مقابله با ضد انقلاب در شهر تانک‌هایی را مستقر کند. به نوشته روزنامه اطلاعات، محلات مختلف تبریز صحنه نبرد انقلابیون و ضدانقلابیون است.

در همین حال تعدادی تانک و یک هواپیما برای سرکوب ضد انقلاب عازم تبریز شد. آیت الله خمینی در اطلاعیه خود عوامل رژیم سابق را عامل اصلی درگیری و آشوب در تبریز دانست و از مردم خواست علیه آنان مقاومت کنند.

جزئیات بیشتری درباره ترور این مقام نظامی جمهوری آذربایجان هنوز منتشر نشده است.

شنبه، ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۴ فوریه ۲۰۰۹

رتبه ۹۴ ایران در شاخص فقر انسانی میان ۱۷۷ کشور

روزنامه سرمایه: براساس جدول منتشر شده در گزارش «اهداف هزاره سوم سال ۲۰۰۸» که توسط سازمان ملل و بر مبنای داده های سال ۲۰۰۴ هر کشور منتشر شده است، شاخص فقر انسانی ایران از میان ۱۷۷ کشور، ۹۴ است. براساس این گزارش، شاخص فقر انسانی، محرومیت شدید از بهداشت و سلامت را در آن بخش از جامعه ارزیابی می کند که انتظار نمی رود بیشتر از ۴۰ سال عمر کنند. در این شاخص، تحصیلات با میزان بی سوادی در بزرگسالان ارزیابی می شود و استاندارد مطلوب زندگی با میانگین غیرروزی افرادی تعیین می شود که به منابع آب سالم و بهداشتی دسترسی نداشته و کودکان زیر پنج سالی که کمتر از حد طبیعی وزن دارند.

همچنین در این گزارش تفاوت معیارهای سنجش «توسعه انسانی» و «فقر انسانی» اینگونه تفکیک شده است که «شاخص توسعه انسانی، میانگین پیشرفت یک کشور را در زمینه توسعه انسانی ارزیابی می کند اما شاخص فقر انسانی در کشورهای در حال توسعه، روی بخشی از افراد تمرکز دارد که در سطحی پایین تر از معیارهای شاخص توسعه انسانی به سر می برند.» با سنجش این شاخص ها، ارزش شاخص فقر انسانی در ایران ۹/۱۲ درصد کل جمعیت ایران است که از میان ۱۷۷ کشور جهان مقام ۹۴ و از میان ۱۰۸ کشور «در حال توسعه» مقام ۳۰ را داراست.

براساس این آمار که برآمده از آخرین اطلاعات سال ۲۰۰۴ است، ۱۱ درصد کودکان ایرانی صفر تا پنج ساله، کمتر از وزن طبیعی دارند؛ شش درصد ایرانیان به آب سالم و بهداشتی دسترسی ندارند.

۶/۱۷ درصد ایرانیان ۱۵ ساله و ۱۵ سال به بالا بی سواد هستند و احتمال زنده نبودن ۸/۷ درصد ایرانیان بعد از ۴۰ سال وجود دارد.

این آمار وقتی بیشتر اهمیت پیدا می کند که بدانیم چه کشورهایی از نظر این شاخص ها با ایران همپراز هستند؛ کشورهایی از آفریقا، آسیای تازه استقلال یافته و آمریکای لاتین. براساس این گزارش، آفریقای جنوبی از نظر درصد بیسوادی جمعیت، دقیقاً با ایران هم مقام است (۶/۱۷ درصد) و از نظر

برخوردهای روزمره، به ویژه در محوطه دانشگاه با ابراز حداکثر صمیمیت با دوستان مبارز، با افراد وابسته به کمیته انقلاب اسلامی و همه مبارزان راه رهایی ایران زمینه های وحدت و همکاری نیروها را در راه حفظ دستاوردهای انقلاب تحکیم بخشیم.»

این اطلاعیه توسط سازمان چریک های فدایی خلق ایران در روز ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷ امضا شده است.

خبرها

سه شنبه، ۲۲ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۰ فوریه ۲۰۰۹

بحران مالی کنونی شدیدترین بحران طی ۱۰۰ سال اخیر

به گزارش خبرگزاری آلمان از لندن، مشاور گوردون براون نخست وزیر انگلستان امروز اعلام کرد رکود بین المللی کنونی، جدی ترین و وخیم ترین بحران مالی اقتصادی طی یکصد سال گذشته به شمار می رود.

وی گفت رکود اقتصاد جهانی بسیار شدیدتر از رکود اقتصادی جهان در دهه ۱۹۳۰ میلادی است.

خبرگزاری آلمان نوشت مشاور گوردون براون در حالی این اظهارات را بیان داشت که انتقاد از سیاست های دولت انگلستان درباره نحوه برخورد با بحران مالی کنونی افزایش یافته بطوریکه سخنگوی حزب محافظه کار (اپوزیسیون) این سیاستها را نگران کننده توصیف کرده است.

چهارشنبه، ۲۳ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۱ فوریه ۲۰۰۹

فرمانده نیروی هوایی جمهوری آذربایجان ترور شد



به گزارش خبرگزاری فرانسه، فرمانده نیروی هوایی جمهوری آذربایجان صبح امروز در مقابل منزلش در شهر باکو ترور شد.

این مقام نظامی بلندپایه جمهوری آذربایجان صبح امروز در حالیکه قصد عزیمت از منزل به محل کارش را داشت، هدف گلوله افراد ناشناس قرار گرفت و کشته شد.

وزارت دفاع جمهوری آذربایجان ترور سرلشگر رضایف را تأیید کرده است.

و کارتن خوابی به یک معضل جدی برای شهروندان و مسئولان این مرکز استان تبدیل شده است. در حالی که آمار دقیقی از میزان کارتن خواب ها در این استان مرزی در دست نیست، اما شواهد و قرائن موجود از افزایش تعداد کارتن خواب ها در این منطقه حکایت می کند به طوری که معاون سیاسی امنیتی استاندار آذربایجان غربی این پدیده را در کنار کودکان خیابانی و کار و متکدیان از جدی ترین معضلات اجتماعی استان ذکر می کند. گسترش فقر که گریبان گیر بسیاری از خانواده هاست و از سوی دیگر سیل کودکان فراری که بیشتر آن ها را کودکان شهرستانی و روستاهای دور افتاده تشکیل می دهند، نگرانی هایی را به وجود آورده است. در این میان بیشتر این کودکان افرادی هستند که از فقر مالی و فرهنگی شدیدی رنج می برند و بحرانهای سن بلوغ بر این پدیده افزوده است. چنین برخوردها و شیوه های تربیتی فرار کودکان به شهرهای بزرگ را به دنبال دارد که برای آن ها در پس جذابیت های ظاهری، دارای خطرانی بس وحشتناک و تهدید کننده است. بسیاری خانواده هایی که با مشکلاتی چون طلاق، ازدواج مجدد، ناسازگاری پدر و مادر، اعتیاد یا حتی دعوای ساده خانوادگی روبه رو هستند و کودک یا نوجوانی دارند که در حال عبور از مرحله بحرانی خود است، غافل از این که ممکن است کودک آن ها در معرض خطر ترک خانه باشد. چند سالی است که کارتن خوابی به یکی از مهم ترین مشکلات جامعه تبدیل شده و فصل سرما، خزان عده ای از هموطنان را به همراه داشته است. شاید تا چند سال پیش، کارتن خوابی پدیده و مشکلی اجتماعی محسوب نمی شد اما وقتی در شب های برفی و یخبندان سال ۸۲، عده ای کارتن خواب بر آسفالت های سخت و سرد خیابان ها یخ زدند آن وقت کارتن خوابی نیز یکی از دغدغه های مهم جامعه محسوب شد.

یکشنبه، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۰۹

جانباز فقرزده: من می میرم اما دیگران را دریابید

روزنامه سرمایه: پیش از ظهر دیروز، یک جانباز شیمیایی پس از موفق نشدن برای ملاقات با نماینده حوزه انتخابی اش، مقابل مجلس شورای اسلامی خود را به آتش کشید و جان سپرد. هرچند تا لحظه نوشتن این گزارش هنوز جانباز بودن این فرد اثبات نشده است اما موضوع از آنجا اهمیت بیشتری می یابد که بعد از گذشت کمتر از سه هفته از خودسوزی یکی از اهالی بم مقابل ساختمان ریاست جمهوری، این دومین باری است که در بهمن ماه سال جاری شهروندان ایرانی مقابل ساختمان های

کودکانی با وزن کمتر از استاندارد زیر پنج سال نیز کشور فقیر قرقیزستان با ایران هم مقام است (۱۱ درصد). از نظر درصد جمعیتی که احتمال زنده نماندن آنها تا ۴۰ سالگی وجود ندارد نیز این کشورهای فقیر الجزایر و گرجستان هستند که با ایران هم مقام هستند (۸/۷ درصد). در مورد درصد افرادی که دسترسی به آب سالم و بهداشتی ندارند نیز این کشور آمریکای لاتین، اکوادور است که با ایران دارای یک مقام است (شش درصد).

اما کشور شمالی ایران که سال هاست در تلاش است تا عضوی از خانواده بزرگ اتحادیه اروپا شود، وضعیتی به مراتب بهتر از ایران دارد. در این گزارش، نشان داده می شود که ترکیه با جمعیتی معادل ایران (۷۱ میلیون نفر) دارای فقر انسانی به مراتب کمتر از ایران است. در ترکیه تنها ۴ درصد از کودکان زیر پنج سال، وزن کمتر از استاندارد دارند؛ سه درصد این جمعیت دسترسی به آب سالم و بهداشتی ندارند؛ میزان جمعیت بی سواد آنان به نسبت جمعیت کشورشان ۹/۱۱ درصد است و احتمال زنده نماندن ۵/۶ درصد از این جمعیت تا ۴۰ سالگی وجود دارد. به این ترتیب شاخص فقر ترکیه با جمعیتی معادل ایران و منابع و ذخایر زیرزمینی و نفتی به مراتب کمتر از ایران، ۷/۸ درصد از کل جمعیت این کشور را داراست و مقام آن در میان ۱۷۷ کشور، ۸۴ است.

شنبه، ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۴ فوریه ۲۰۰۹

افزایش کارتن خواب ها در شهرهای ایران



روزنامه خراسان: این روزها پدیده کارتن خوابی به یکی از مهم ترین معضلات اجتماعی در ایران تبدیل شده است. در سالهای اخیر با توجه به افزایش برخی از مشکلات اجتماعی، وجود کارتن خوابها بیش از گذشته در برخی از شهرهای بزرگ کشور قابل لمس است. بسیاری از گزارش ها حاکی از افزایش کارتن خواب ها در برخی از شهرهای کشور از جمله ارومیه است

شیوا دولت آبادی روانشناس، با بیان این مطلب می گوید: «انتخاب نوع خودکشی نیز بخش دیگر این قضیه است. پرتظاهرات ترین نوع اعتراض همراه با خودکشی، خودسوزی است. در واقع پیام این نوع خودکشی بسیار فراتر از خودکشی است. کسی که خودسوزی می کند، می خواهد بگوید من می میرم اما دیگران را دریابید. در واقع در این شکل فرد به جایی از ناتوانی برای اداره خود و پذیرش مسوولیت های حیات می رسد که اصل بدیهی حفظ خود را زیر پا می گذارد.»

اما کسی که خودسوزی کرده چه می خواسته بگوید؟ دولت آبادی در این باره می گوید: «ما اصولاً بین اقدام به خودکشی و خودکشی تفکیک قائل می شویم و آن عبارت از این است که افرادی که برای اعلام نیاز به توجه خودکشی می کنند طوری آن را برنامه ریزی می کنند که به مرگ منجر نشود اما خودسوزی به طور خاص ترکیبی است از اعلام وضعیت خود به علاوه اعلام وضعیت پایان.» اما قربانی ظهر دیروز روبه روی مجلس دلیل خودسوزی خود را بیکاری عنوان کرده بود. اینکه چگونه فقر فرد را به جایی می رساند که به خودکشی آن هم در شکل خودسوزی منجر شود را دولت آبادی اینگونه تحلیل می کند: «معمولاً آدم ها به خاطر عزت نفس مدت ها فقر را پنهان و آن را اداره می کنند. عزت نفس سرمایه ای است که انسان را وادار می کند در درازمدت فشار فقر را تحمل کند اما وقتی فشار به حدی می رسد که همه مرزها پیموده شده، فرد عملاً به بن بست می رسد.»

به اعتقاد دولت آبادی رها شدن از سوزش درونی ناشی از فقر و بیکاری و ناتوانی در برآورده سازی مطالبات دیگرانی که چشمشان به درآمد و فعالیت شخص است، انگیزه ای که منجر به خودسوزی می شود.

یکشنبه، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۰۹

معاون احمدی نژاد: "مردم باز هم به ما رأی می دهند"



روزنامه اعتماد: اسفندیار رحیم مشایی معاون احمدی نژاد با تأکید بر اینکه «تازه در آغاز راه هستیم، مردم باز هم به ما رأی می دهند»، گفت؛ من یقین دارم هنوز مردم به این راه علاقه مند هستند چون در آغاز راه هستیم و هنوز خیلی اتفاقات بزرگ باید بیفتد که فرصت کافی برای انجام آنها نبوده است.

حکومتی دست به خودسوزی می زند. چند سال پیش نیز جانباز دیگری در اعتراض به وضع معیشتی خودسوزی کرده بود.

آتش ... مرگ ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه دیروز مردی حدوداً ۵۰ ساله به ساختمان اداری و محل ملاقات های مجلس مراجعه کرده و خواستار ملاقات با نماینده حوزه انتخابی اش می شود. «وی پس از عدم موفقیت در ملاقات با این نماینده و خروج از مجلس، در خیابان روبه روی مجلس خود را به آتش می کشد.» این روایتی است که محمد علی پرتوی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس و نماینده سردشت در مجلس شورای اسلامی به «سرمایه» می گوید: «پس از انتقال مجروح به بیمارستان و جان سپردن او، پسر این مرد همراه نامه ای به مجلس مراجعه می کند و سراغ پدرش را می گیرد ...»

بیکاری و بی توجهی مسئولان

در نامه ای که این قربانی نوشته دلیل خودسوزی را بیکاری عنوان کرده است و اینکه کسی توجهی به او نمی کند. بیکاری و بی توجهی مسئولان اجرایی نکته ای است که به اعتقاد محمدعلی پرتوی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس از مهم ترین نکاتی است که منجر به درخواست ملاقات با نمایندگان می شود: «دلیل درخواست برای ملاقات با نمایندگان مجلس معمولاً کم کاری مسئولان اجرایی است یعنی اگر مسئولان به وظایف خود عمل کنند، نیازی نیست افراد آنقدر مستأصل شوند که به نمایندگان شان مراجعه کنند.» او اضافه می کند: «این فرد جویای کار بوده و اگر مسئولان اجرایی مشکل او را حل کرده بودند قطعاً کار به اینجا نمی رسید.» پرتوی البته فراموش نمی کند که بگوید: «ملاقات با نمایندگان مجلس نه تنها حق جانبازان بلکه حق تمامی شهروندان است.»

تذکر به دستگاه های اجرایی

با در نظر گرفتن اینکه قربانی خودسوزی ظهر دیروز، به دلیل مسائل معیشتی و بیکاری اقدام به خودسوزی کرده است، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس می گوید: «در این مورد باید به دستگاه های اجرایی تذکر داده شود.» پرتوی می گوید: «دولت برای راه اندازی بنگاه های زودبازده در شهرستان ها اعتبار زیادی اختصاص داده و خانواده شهدا و جانبازان را در اولویت گذاشته، با این حساب معلوم نیست چرا کسی ممکن است از بیکاری به جایی برسد که اقدام به خودسوزی کند.»

چرا خودسوزی

«خودکشی در مغایرت تمام با طبیعت است که با آن مسئله حفظ بقا و باقی ماندن به عنوان تداوم وجودی زیر سؤال می رود.»

یکشنبه، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۰۹

حمله به مرکز فرماندهی سپاه در مریوان

در تاریخ ۲۶ بهمن در ساعت ۸ شب، نیروهای واحد ۲۰۱ گارد آزادی در عملیاتی هماهنگ مقرر فرماندهی سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی در مریوان را با اسلحه سبک و نارنجک مورد حمله قرار داد. این عملیات گارد آزادی، بدنبال حمله گسترده نیروهای جنایتکار رژیم در سحرگاه همین روزه روستای دگاگا، صورت گرفت. این روستا یکی از محل های تمرکز اجناس وارده از سوی کاسبکاران مرزی می باشد. نیروهای رژیم در سحرگاه روز ۲۶ بهمن در عملیاتی گسترده با شرکت نیروهای کالا قاچاق و نیروهای انتظامی از مریوان وسولوا، این روستا را محاصره کرده و بیش از ۱۰ کامیون اجناس کاسبکاران را مصادره کردند. اعتراض گسترده مردم به این عمل وحشیانه با حمله نیروهای ضد شورش پاسخ داده شد. این عملیات نیروهای ضد مردمی با موجی از نارضایتی در مریوان و حومه روبرو شد و این در حالی است که با مسدود کردن هر چه بیشتر مرزهای بین ایران و عراق از سوی رژیم اسلامی، راه های کسب در آمد بویژه برای ده ها هزار نفر از مردم زحمتکش و بیکار در این منطقه با مشکل جدی روبرو شده است.

کمیته کردستان حزب حکمتیست - ۲۷ بهمن ۱۳۸۷

یکشنبه، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۰۹

بیش از ۷۰ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال ۸۷

معاون وزیر نفت از درآمد بیش از ۷۰ میلیارد دلاری حاصل از فروش نفت خام در سال ۸۷ خبر داد. اکبر ترکان در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار واحد مرکزی خبر با بیان این که همه این درآمد به حساب خزانه کشور واریز می شود گفت: متوسط قیمت فروش هر بشکه نفت خام ایران تا ماه گذشته ۸۶ دلار بوده است.

معاون برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت درباره گزارش دیوان محاسبات کشور درباره واریز نشدن یک میلیارد دلار از فروش نفت خام در سال ۸۵ به حساب خزانه کشور گفت: این مبلغ مربوط به وزارت نفت نیست؛ این وزارتخانه همه درآمد حاصل از نفت خام را عینا به خزانه واریز کرده است. ترکان با بیان این که بر اساس قانون صد درصد فروش نفت خام یک جا به خزانه واریز می شود افزود: البته قانونگذار اجازه های داده، مثلا گفته است ۶ درصد این درآمد برای صیانت از تولید نفت و گاز به کار گرفته شود که این میزان را نیز با اجازه و پس از واریز ابتدایی به خزانه دوباره دریافت می کنیم.

معاون وزیر نفت با بیان این که این روایی است که بانک مرکزی نیز جز این عمل نمی کند گفت: ارز حاصل از فروش تمام نفت خام در اختیار بانک مرکزی است و این بانک بر اساس مجوزهای بودجه سالانه به دستگاه ها پول می دهد. ترکان با بیان این که مخاطب دیوان محاسبات، وزارت نفت نیست افزود: این دیوان تا به حال مطلبی به ما منعکس نکرده است و اگر از ما بخواهند، پاسخگو خواهیم بود.

چهارشنبه، ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۸ فوریه ۲۰۰۹

اطلاعیه گروه ریگی در باره انفجار امروز زاهدان

این اطلاعیه از طریق ایمیل برای سایت ارسال شده و عیناً درج می شود.

به نام خدا

بدینوسیله جنبش مقاومت مردمی ایران به اطلاع عموم مردم بلوچستان و ایران می رساند که مبارزان جنبش طی یک بمب گذاری، پایگاه مقاومت بسیج الغدیر زاهدان که جنب حسینی الغدیر واقع است را منفجر نمودند.

فرماندهان سپاه و مسئولین وزارت اطلاعات اخیرا از ترس مبارزین جلسات خود را به جای ادارات رسمی در حسینه ها برگزار می نمایند و مبارزین که از این امر اطلاع یافتند این محل که پایگاه مقاومت الغدیر نام دارد را منفجر نمودند.

لازم به ذکر است که این پایگاه که محل برگزاری جلسات فرماندهان سپاه و اطلاعات می باشد همیشه تحت کنترل نیروهای رژیم می باشد با این همه مبارزان به داخل این پایگاه نفوذ کرده و ۲۰ کیلو سی ۴ را کار گذاشتند و ساعت ۱۱ بامداد چهارشنبه برابر با ۳۰ بهمن ۱۳۸۷ این محل را منفجر نمودند.

همچنین باید یاد آور شویم که زمان انفجار بمب هیچ فرد عادی در محل حضور نداشته و این وقت زمان برگزاری جلسه فرماندهان سپاه بوده است که بنابر علل نامعلومی در این روز برگزار نشده است.

جنبش مقاومت به رژیم هشدار می دهد که دست از جنایت و کشتار مردم بلوچ بردارد و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کند در غیر این صورت منتظر حملات بعدی و شدیدتر دلاورمردان جنبش باشد.

جنبش مقاومت مردمی ایران

People's Resistance Movement of Iran

روابط عمومی جنبش مقاومت مردمی ایران (جندالله)

نتانياهو به پست نخست وزیری اسرائیل نزدیکتر شد



به گزارش خبرگزاری فرانسه از اورشلیم، رادیو نظامی اسرائیل امروز اعلام کرد اویدور لیبرمن، رهبر حزب «اسرائیل خانه ما» تصمیم گرفته است در

تشکیل کابینه ائتلافی از بنیامین نتانياهو، رهبر حزب لیکود حمایت کند.

حزب «اسرائیل خانه ما» با داشتن ۱۵ کرسی در پارلمان ۱۲۰ عضوی اسرائیل از جایگاه و موقعیت تعیین کننده ای برخوردار است و می تواند کفه ترازو را به نفع یکی از دو حزب عمده اسرائیل (کادیم و لیکود) سنگین تر کند.

حزب کادیم و لیکود در انتخابات پارلمانی اخیر نتایج مشابهی کسب کردند و فقط حزب کادیم یک نماینده بیشتر از رقیب خود لیکود به پارلمان فرستاد. حزب کادیم در انتخابات پارلمانی ۲۸ کرسی و حزب لیکود ۲۷ کرسی را از آن خود کردند. این گزارش حاکیست رئیس جمهور اسرائیل پنجشنبه شب رایزنیهای خود را با احزاب سیاسی برای تشکیل کابینه جدید به پایان خواهد رساند.

شیمون پرز که مذاکرات خود را با نمایندگان احزاب تشکلهای سیاسی از روز چهارشنبه آغاز کرده است باید فردی را انتخاب کند که بتواند به سرعت اکثریت پارلمان را برای تشکیل کابینه ائتلافی جدید اسرائیل به دست آورد.

رئیس جمهور اسرائیل شب گذشته با نمایندگان احزاب اصلی اسرائیل، کادیم (راست میانه) به رهبری تزیبی لیونی و حزب لیکود (راست) به رهبری بنیامین نتانياهو درباره تشکیل کابینه جدید اسرائیل گفتگو کرد و قرار است امروز با روسای ده حزب و تشکل سیاسی که در پارلمان نماینده دارند گفتگو و تبادل نظر کند.

سخنگوی رئیس جمهور اسرائیل در این باره گفت در پایان این رایزنی ها که پنجشنبه شب پایان خواهد یافت، شیمون پرز انتخاب خود را یکشنبه یا دوشنبه اعلام خواهد کرد.

بر اساس اعلام خبرگزاری فرانسه به نقل منابع خبری در اورشلیم، شیمون پرز قرار است بنیامین نتانياهو را که از حمایت ۶۵ نماینده از مجموع ۱۲۰ نماینده برای تشکیل کابینه ائتلافی برخوردار است، مأمور تشکیل کابینه کند.

غارت و چپاول اموال مردم در حاکمیت آخوندی

وزیر کشور سابق رژیم گفته در دوران احمدی نژاد میلیاردها تومان مفقود شده است.

موسوی لاری که در جویبار سخنرانی می کرد گفت نتیجه منحل شدن سازمان برنامه و بودجه و شوراهای عالی این شد که میلیاردها تومان بودجه کشور مفقود شود.

پنجشنبه، ۱ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۹ فوریه ۲۰۰۹

حمله وحشیانه به درویش گنابادی در اصفهان

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور در اصفهان، درویش سلسله نعمت الهی گنابادی جهت برگزاری مجلس درویشی در شب جمعه از ساعت ۱۵ امروز، پنج شنبه اول اسفندماه ۱۳۸۷ در محل حسینیه و مقبره درویش ناصرعلی گرد هم آمدند. مأمورین امنیتی و گارد ضد شورش انتظامی منطقه را به محاصره درآورده و با ایجاد رعب و وحشت، درصدد جلوگیری از انعقاد مجلس درویشی بر آمده اند. شخصی به نام سرهنگ شجاعی که فرماندهی این عملیات علیه درویش را به عهده داشت، در چندین مرحله بیان نموده است که ما امروز نقش یزید را برای شما ایفا خواهیم نمود. پس از محاصره درویش در خرابه های مقبره درویش ناصرعلی، مأمورین لباس شخصی و نیروهای گارد ویژه در ساعت ۴،۳۰ بعد از ظهر با حمله به تجمع درویش به ضرب و شتم آنها پرداختند. در این درگیری که با استفاده از باتوم و سنگ و پرتاب گاز اشک آور صورت پذیرفت، تعدادی از درویش زخمی و مجروح گردیده و چندین تن توسط این نیروها بازداشت و دستگیر شدند. درگیری همچنان ادامه دارد ...

آدینه، ۲ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۰ فوریه ۲۰۰۹

افزایش ۱۰ میلیارد دلاری واردات

ایسنا: واحد اطلاعات اکونومیست در تازه ترین گزارش خود اعلام کرد که در سال جاری واردات ایران افزایش ۱۰،۶ میلیارد دلاری و مازاد تجاری کاهش ۱۶،۳ میلیارد دلاری می یابد.

اکونومیست در گزارش ماه ژانویه ۲۰۰۹ خود میزان واردات ایران در سال گذشته را ۵۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برآورد و پیش بینی کرد که این شاخص در سال جاری به ۶۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار خواهد رسید.

بنا بر اعلام اکونومیست، در سال آینده واردات ایران ۱۰ میلیارد دلار کاهش داشته و به ۵۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بالغ خواهد شد.

ترلانی از آنها پرسید شما کی هستید و چی می خواهید ابتدا درب منزل را شکستند و هنگام ورود به منزل، به نقطه حساس بدن ایشان ضربه ای وارد کردند که مدتی در بیهوشی بسر می برد. آنها پس از ورود به منزل شروع به بازرسی منزل آنها نمودند این بازرسیها موجب تخریب وسائل منزل و ایجاد خسارت گردید. آنها سی.دی، کتابها، آلبومهای عکس خانوادگی، ریسور ماهواره و موارد دیگر را با خود بردند. سپس فرزند او را حسن ترلانی را دستگیر و با خود بردند.

همزمان به منزل دکتر هانی یازرلو از فعالین سیاسی شناخته شده یورش بردند. آنها در خواب بسر می بردند و حتی به خانواده اجازه پوشیدن لباسهای خود را نمی دادند در این یورش یکی از سر بازجویان وزارت اطلاعات که آخوندی با نام مستعار علوی است فرماندهی یورش را به عهده داشت. در این یورش ۵ نفر از مأمورین وزارت اطلاعات به منزل آنها یورش بردند. دکتر هانی یازرلو که از ناراحتی شدید قلب رنج می برد و تا به حال ۳ بار مورد عمل جراحی قرار گرفته است در اثر این یورش وضعیت جسمی اش به وخامت گرایید. آنها فرزند دیگر او را حامد یازرلو را دستگیر و به بند ۲۰۹ منتقل کردند. فرزند دیگر او هود یازرلو در زندان بسر می برد. بدستور علوی منزل آنها به صورت وحشیانه ای مورد بازرسی قرار گرفت. اعضای خانواده را از هم جدا کرده بودند. خانم نازیلا دشتی در یکی از اتاقهای بسر می برد و بقیه در اتاقهای دیگر همراه با یکی از مأمورین وزارت اطلاعات. مأمورین وزارت اطلاعات مقدار زیادی از وسائل شخصی این خانواده را با خود بردند از جمله آنها عکسهای اعضای خانواده که در قتل عام ها زندانیان در سال ۶۷ جان باختند و نامه های آنها هنگامی که در قید حیات بودند و در زندان بسر می بردند، کتابها، سی دی، ریسور ماهواره و مدارک شناسائی و وسائل دیگر را با خود بردند.

بازجویان وزارت اطلاعات همچنین به منزل خانواده آقای نادری یورش بردند و خانم مهسا نادری را با خود بردند مأمورین وزارت اطلاعات خانم نادری و دخترشان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. مأمورین وزارت اطلاعات همچنین مقدار زیادی از وسائل شخصی این خانواده را با خود بردند آنها همچنین منزل را مورد بازرسی قرار دادند و باعث تخریب وسائل منزل آنها شدند. آقای محسن نادر به دلیل شرکت در مراسم نوزدهمین سالگرد قتل عام ۶۷ در حال حاضر در بند ۸ زندان اوین زندانی است. حامد یازرلو برادر دانشجوی زندانی هود یازرلو که در حال حاضر در بند ۸ زندان اوین زندانی است، حسن ترلانی ۲۲ ساله می باشند.

بازجویان وزارت اطلاعات یورشهای خود به منازل بصورت همزمان آغاز کردند. مأمورین وزارت اطلاعات صبح امروز ۲ اسفند ماه هنگامی که به منزل آقای ترلانی یورش بردند وقتی که آقای

به اعتقاد اکونومیست پس از سال آیند واردات ایران سال به سال افزایش خواهد داشت به طوری که در سال ۸۹ واردات ۵۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری و در سال ۱۳۹۰ واردات ۵۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری برای کشور به ثبت خواهد رسید که با تداوم روند صعودی این شاخص در سال ۱۳۹۱ معادل ۵۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

سال ۱۳۹۲ سالی است که رقم ۶۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برای مجموع واردات ایران به ثبت خواهد رسید که نسبت به سال ۸۶ افزایش پنج میلیارد دلاری نشان می دهد.

آدینه، ۲ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۰ فوریه ۲۰۰۹

یورش مأموران و دستگیریهای گسترده در تهران

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

بنابه گزارش رسیده از تهران از صبح امروز ۲ اسفند ماه مأمورین وزارت اطلاعات به تعداد زیادی از خانواده ها در سطح شهر تهران یورش بردند و عزیزان آنها را دستگیر و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند.

یورشهای گسترده امروز در حدود ساعت ۰۷:۰۰ صبح آغاز گردید و همچنان ادامه دارد. یورشها زمانی که خانواده در خواب بسر می بردند آغاز گردید که همراه با ضرب و شتم و اهانت، بازرسی وحشیانه منازل و ضبط کردن وسائل شخصی آنها بوده است. و هنگامی که به منازل یورش برده می شد کسانی را که با آنها روبرو می شد مورد ضرب و شتم شدید قرار می دادند. خانواده هایی که تا به حال توسط وزارت اطلاعات مورد یورش قرار گرفته اند عبارتند از خانواده دکتر هانی یازرلو، خانواده محسن نادری، خانواده مسعود عظیمی، خانواده محمود عظیمی، خانواده ترلانی و تعداد زیادی از خانواده های دیگر که متعاقباً به اطلاع خواهد رسید.

در این یورشها تا به حال تعداد زیادی دستگیر شده اند که اسامی بعضی از آنها به قرار زیر می باشد: خانم مهسا نادری دانشجوی از خانواده نادری و پدر ایشان آقای محسن نادری بدلیل شرکت در مراسم گرامیداشت نوزدهمین سالگرد قتل عام ۶۷ در حال حاضر در بند ۸ زندان اوین زندانی است. حامد یازرلو برادر دانشجوی زندانی هود یازرلو که در حال حاضر در بند ۸ زندان اوین زندانی است، حسن ترلانی ۲۲ ساله می باشند.

بازجویان وزارت اطلاعات یورشهای خود به منازل بصورت همزمان آغاز کردند. مأمورین وزارت اطلاعات صبح امروز ۲ اسفند ماه هنگامی که به منزل آقای ترلانی یورش بردند وقتی که آقای

نیروهای اطلاعاتی چند تن از درویش را نیمه شب از منزل آنها بازداشت کردند.

با افزایش نگرانی نیروهای امنیتی در ارتباط با تظاهرات درویش در روز سوم اسفند مأمورین اطلاعاتی اقدام به دستگیری برخی از درویش از منازل آنها نمودند. علیرغم ممنوعیت بازداشت افراد در غیر ساعات روز در ساعات پایانی شب مأموران اطلاعات اقدام به دستگیری درویش نمودند.

علی اکبر بنکدار که ریاست مددکاری رضا که از نهادهای خیریه بزرگ درویشان گنابادی است از منزلش در تهران بازداشت گردید. در این ارتباط عبدالصالح لقمانی نیز از اصفهان بازداشت گردید. نیروهای امنیتی همچنین به منزل مهندس مهران رهبری وارد شدند تا نامبرده را دستگیر نمایند که موفقیتی در بازداشت او نداشتند.

گفتنی است درویش دسته دسته از شهرهای مختلف به سمت محل تظاهرات یعنی مقابل مجلس شورای اسلامی در حرکتند.

در این ارتباط بسیاری از گروههای چپ و راست اعم از مذهبی یا لائیک با درویش گنابادی اعلام وحدت نموده‌اند.

دوشنبه، ۵ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۹

امام جمعه رژیم چهارشنبه سوری را "منکر اجتماعی" خواند

وحشت رژیم از اعتراضات ضد حکومتی در چهارشنبه سوری



ایرنا: دادستانی کل کشور خواستار اتخاذ تمهیدات لازم برای چهارشنبه آخر سال شد. «ناصر سراج» معاون سیاسی و امنیتی دادستان کل کشور طی بخشنامه ای به دادگستری های سراسر کشور خواستار اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه برای جلوگیری از

ورود خسارات جبران ناپذیر در مراسم چهارشنبه آخر سال شد.

در این بخشنامه آمده است، دستگاههای ذیربط در جهت پیشگیری از بروز لطمات و خسارات جبران ناپذیر در چهارشنبه آخر سال تمهیدات مقتضی را اتخاذ نمایند.

همچنین معاون عملیات نیروی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد برای شب چهارشنبه پایان سال که احتمال دارد مشکلاتی روی دهد، برنامه ویژه‌ای در نظر گرفته ایم. مأموریت نیروی انتظامی از ۲۷ اسفند آغاز می شود؛ بیش از ۸۵ کلانتری

آخوند و سر بازجویی که با نام مستعار علوی است. او در یورش به منازل و دستگیریها مسقیماً نقش دارد. او همچنین خود شکنجه جسمی و روحی زندانی سیاسی در حین بازجویی در بند ۲۰۹ را به عهده می گیرد. از جمله کسانی که تا به حال توسط این فرد دستگیر و مورد شکنجه هایی وحشیانه جسمی و روحی قرار داشتند عبارتند از آقای علی صارمی، محمد علی منصوری، میثاق یزدان نژاد، هود یازلو و دهها نفر دیگر می باشند. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران؛ یورش گسترده و وحشیانه به منازل شخصی خانواده های بی دفاع و دستگیری فرزندان آنها، مورد ضرب و شتم قرار دادند و ضبط کردن وسائل شخصی آنها را محکوم می کند. از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و تمامی سازمانهای حقوق بشر برای رسیدگی به جنایتهای سیستماتیک و مستمر این رژیم علیه مردم ایران خواهان ارجاع پرونده نقض حقوق بشر این رژیم به شورای امنیت ملل متحد است.

۲ اسفند ۱۳۸۷ برابر با ۲۰ فوریه ۲۰۰۹

یورش و دستگیریهای گسترده امروز به سازمانهای زیر

گزارش گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

آدینه، ۲ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۰ فوریه ۲۰۰۹

اطلاعیه؛ تظاهرات درویش گنابادی شنبه در مقابل مجلس

*** اطلاعیه مهم ***

یاران و عزیزان ایمانی و مدافعین حقوق بشر؛

در پی حملات گسترده نیروهای امنیتی - انتظامی و بسیج طی سه سال گذشته به حسینیه ها و اماکن عبادی برادران شیعه مکتب درویشی علی الخصوص در راستای تنش ها و خرابی های صورت گرفته و تضييع حقوق بشر در چند روز گذشته و تجاوزات دستگاههای سرکوب و گارد ویژه به مزار و اماکن متبرکه بزرگان عرفان و تصوف و میراث فرهنگی میهن عزیزمان ایران، اجتماعی مسالمت آمیز روز شنبه ۳ اسفند ماه ساعت ۱۱مقابل مجلس شورای اسلامی واقع در میدان بهارستان - تهران برگزار می شود. از علاقه مندان تقاضا می شود حضور بهم رسانده و به اطلاع دوستان و عزیزان نیز برسانند.

به امید دیدار

شرکت گسترده در پاسداشت با شکوه تر این آیین ها، فریاد اعتراض خود را به گوش سران رژیم و جامعه جهانی برسانند.

یکی از همین آیین ها، برگزاری مراسم چهارشنبه سوری است که در سال های اخیر، تبدیل به نوعی گردهمایی عمومی برای ابراز نارضایتی و مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی و انعکاس آن در افکار عمومی جهان شده است.

بر همین اساس از آن جا که در آستانه برگزاری مراسم چهارشنبه سوری قرار داریم، شایسته است که از این فرصت استفاده لازم را ببریم و با ارائه طرح های مناسب، نه تنها با به خیابان کشاندن مردم، لرزه بر اندام ناپاک رژیم اشغالگر اسلامی بیندازیم، بلکه روحیه خودباوری را تقویت کنیم در مردمی که سال هاست طعم همدلی را فراموش کرده و از نیروی براندازانه خود بی خبر مانده اند.



در این راه نباید از یاد برد که چون جوانان صحنه گردانان اصلی این اعتراض همگانی هستند، می بایست در ارائه پیشنهادها در مورد جزئیات نحوه اجرا، عمدتاً بر اساس پسند و سلیقه آنان گام برداشت تا انگیزه ساز حضور گسترده تر و همکاری و همدلی بیشترشان گردد.

نظرات و پیشنهادات خود را برای تبدیل هرچه بهتر مراسم چهارشنبه سوری به یک حرکت گسترده ضد حکومتی برای ما ارسال کنید تا در سایت درج شود.

دوشنبه، ۵ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۹

موج جدید سرکوب در دانشگاه شیراز

خبرنامه امیرکبیر: دور جدید سرکوب در دانشگاه شیراز با صدور حکم ۱۲ ترم محرومیت از تحصیل دیگر کلید خورد.

کمیته انضباطی دانشگاه شیراز احکام جدیدی را برای دانشجویان احضار شده به این کمیته به دنبال سه تجمع روز های ۱۵، ۱۶ و ۲۰ دی در این دانشگاه صادر کرد. بر طبق این احکام

در این باره فعالان و معاونتهای عملیات، یگان ویژه، یگان امداد، سرکلانتریها و ادارات تابعه نیز همکاری میکنند.

خانچرلی گفت برخی افراد ناآگاه، فرصت طلب و سودجو با تهیه و توزیع انواع مواد محترقه و وسایل آتش زا باعث ایجاد اختلال در نظم و امنیت عمومی می شوند و هماهنگی لازم با مقامهای قضایی برای برخورد با متخلفان و سودجویان صورت گرفته است.

معاون عملیات نیروی انتظامی تهران بزرگ گفت از هم اکنون اماکنی برای برگزاری این مراسم در نظر گرفته شده است. باید جوانان و خانواده ها را از حوادث و خطراتی که در کمین آنان است آگاه کنیم.

یکی دیگر از فرماندهان نیروی انتظامی تهران نیز گفت طی چند روز آتی، پلیس با افرادی که اقدام به فروش مواد محترقه غیرمجاز کنند، به شدت برخورد خواهد کرد و واحدهای صنفی متخلف پلمپ شده و به مراجع قضائی معرفی خواهند شد. ساجدی نیا اعلام کرد قرارگاه جدیدی در نیروی انتظامی به نام قرارگاه نوروزی تشکیل داده و با متخلفان به شدت برخورد می کند. قرارگاه نوروزی از اوایل بهمن ماه امسال در نیروی انتظامی ایجاد شده و بناست از نیمه اسفند ماه تا نیمه فروردین ماه فعالیت خود را به صورت منسجم شروع کند.

امام جمعه آستارا نیز درباره مراسم چهارشنبه سوری گفت باید با ترقه بازی در روزهای پایانی سال به عنوان یک پدیده مخل امنیت و آسایش و نظم اجتماعی برخورد شود.

حجت الاسلام اکرمی گفت متأسفانه در هفته های پایانی سال عده یی برای سودجویی به ترویج این منکر اجتماعی دست می زنند و می خواهند به آن رنگ آداب و رسوم بدهند.

دوشنبه، ۵ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۹

چهارشنبه سوری را به یک حرکت ضد حکومتی تبدیل کنیم

مردم ایران در طی سال های اخیر کم و بیش دریافته اند که می توان در یک فضای پلیسی، اغراض سیاسی خود را در قالب برگزاری یک جشن سنتی و آیینی باستانی به نمایش گذاشت. اگر چه شاید بسیاری ندانند که این نوع رفتارهای اعتراضی، خود یکی از بارزترین نمونه های مبارزات مدنی مردم در هر جامعه ای است.

در طی این سالها مردم در بسیاری موارد با تغییر در نحوه اجرای مراسم آیینی و سنتی، از این شیوه برای بیان مخالفت های خود با رژیم حاکم بر ایران بهره جسته و کوشیده اند تا با

بهانه توهین به مقدسات و مسئولین کشور در تریبون آزاد ۱۸ آذر در دانشگاه شیراز آغاز شده، همچنان ادامه دارد و هر روز موج جدیدی از آن خیلی از دانشجویان این دانشگاه را در بر می گیرد.

دوشنبه، ۵ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۹

دستگیری دهها دانشجو، وضعیت متشنج دانشگاه امیرکبیر

خبرنامه امیرکبیر: بر اساس آخرین گزارش ها، دانشجویانی که برای پیگیری وضعیت دوستان ربوده شده خود به کلانتری ۱۰۷ فلسطین مراجعه کرده اند، پس از پیگیری بسیار و پاسخ ندادن های ماموران کلانتری، در نهایت یکی از مامورین به دانشجویان که به دنبال یکی از هم خوابگاهی های دختر خود بودند، گفت: "تا این لحظه ۷۰ نفر را بازداشت کرده ایم که ۳۰ تن آنها دختر هستند".

ماموران کلانتری حتی حاضر نشده اند نام دختر دانشجوی مورد نظر را در بین اسامی دختران بازداشت شده جستجو کنند.

با ادامه یافتن این وضعیت تمامی دانشجویان دانشگاه در اضطراب و نگرانی به سر می برند و وضعیت خوابگاههای دانشگاه امیرکبیر متشنج است.

همچنین با توجه به فضای حاکم بر دانشگاه و در صورت ادامه یافتن بازداشت ها احتمال متشنج بودن دانشگاه و خوابگاه ها در روزهای آتی و در هفته آینده وجود دارد.

وضعیت بحرانی: دانشجویان در دانشگاه محبوس شده اند گزارش قبلی: با انجام مراسم دفن شهید در دانشگاه امیرکبیر که اعتراض دانشجویان و مفتضح شدن آن باعث خشم نیروهای امنیتی شده است، علیرغم اینکه این مراسم از ساعت پیش پایان یافته است، دانشگاه همچنان در محاصره نیروهای امنیتی است و تاکنون بیش از ۲۵ دانشجو بازداشت شده اند.

نیروهای امنیتی و انتظامی با مستقر کردن مینی بوس ها و ون های خود در دربهای دانشگاه و بازداشت دسته جمعی فعالین و سایر دانشجویان دانشگاه اقدامه بی سابقه ای را در حمله آشکار و گسترده به دانشجویان آغاز کرده اند. نیروهای امنیتی ضمن ضرب و شتم دانشجویان خارج شده از درب های دانشگاه آنها را به درون ماشین منتقل می کردند و با پر شدن ماشین ماشین بعدی را مستقر می کردند.

عده ای از دانشجویان دانشگاه نیز که شاهد دستگیری وحشیانه و دور از ذهن دوستان خود بودند به درون دانشگاه پناه

امین درستی دو ترم محرومیت از تحصیل و اسماعیل جلیلود، یونس میر حسینی، عبدالله داوودیان، امین کریمی، علی شیدایی، شکوه وصیلی، زهرا فتاحی زاده، اسماعیل معدنچی، راضیه جعفری و سعید خسرو آبادی هر کدام به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند. همچنین پرونده اسماعیل جلیلود به کمیته انضباطی مرکزی ارجاع داده شده است.

پیش از این نیز به دنبال تریبون آزاد ۱۸ آذر در دانشگاه شیراز، از سوی کمیته انضباطی بیش از ۳۰ ترم محرومیت از تحصیل صادر که تاکنون درصد زیادی از این احکام قطعی شده و برای ۲ دانشجوی این دانشگاه به نام های کاظم رضایی و آرش روستایی به منزله حکم اخراج می باشد و پرونده ۵ دانشجو به نامهای کاظم رضایی، حمداالله نامجو، جلیل رضایی، هادی الم لی و نوید غفاری به کمیته انضباطی مرکزی ارجاع داده شده است.

همچنین صبح روز گذشته کاظم رضایی دانشجوی اخراج شده دانشگاه شیراز توسط نیرو های کلانتری دستگیر شد. وی عصر دیروز برای شرکت در جلسه احسان شریعتی که به دانشگاه شیراز دعوت شده بود، به کتابخانه خوارزمی این دانشگاه وارد شد که پس از ضرب و شتم توسط نیرو های حراست دانشگاه شیراز کیف و موبایل وی توسط این نیروها به سرقت رفت. به گزارش خبرنامه امیرکبیر، صبح روز گذشته در پی تماسی از سوی حراست از این دانشجو خواسته شد که برای دریافت اموالش به دانشگاه مراجعه کند و پس از مراجعه وی، توسط نیروهای کلانتری جام جم شیراز دستگیر شد و بر اساس حکم قاضی کشیک دادسرای ناحیه ۲ شیراز برای وی قرار بازداشت صادر شده است. جرم وی ورود غیرقانونی به محوطه و اخلاف در نظم دانشگاه بیان شده است. وی پیش از این نیز توسط اطلاعات بازداشت شده بود که با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد.

از وضعیت یونس میر حسینی دانشجوی بازداشتی شیراز نیز همچنان اطلاعی در دست نیست. یونس میر حسینی دانشجوی سال چهارم رشته حقوق دانشگاه شیراز که در جریان بازداشت های آذر ماه سال گذشته به ۳ سال حبس تعلیقی محکوم گردیده بود، روز ۵ پنجشنبه ۱۸ بهمن با هجوم نیروهای اطلاعات به منزلش دستگیر و از روز ۲۰ بهمن اعتصاب غذای نا محدود خود را آغاز کرده که از هفته گذشته آن را وارد فاز خشک کرده است.

پیش از این نیز ۱۵ دانشجو به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به اطلاعات احضار و بازداشت شده بودند که با قید وثیقه و کفالت آزاد شدند. روند سرکوب بی سابقه که از چندی پیش به

کرد که همزمان با دانشگاه امیرکبیر در دانشگاه کاشان نیز این پروژه انجام شد ولی وی پیامی برای دفن شهید در آن دانشگاه صادر نکرد.

علاوه بر آن طی روزهای گذشته خبرگزاری های فارس و ایسنا و بسیاری سایت های زنجیره ای اقتدارگرایان با گزارش متعددی سعی کردند تا در فواید دفن شهید در دانشگاه ها بنویسند و یا دانشجویان معترض را مورد تهدید قرار دهند. در یکی از آخرین موارد یکی از این سایت ها گزارش کرد که طلاب بسیجی استان قم در حمایت از دفن شهید در دانشگاه امیرکبیر تجمع کرده اند.

اما با وجود تمامی فشارها، باز هم روز گذشته همزمان با دفن شهید، دانشجویان دانشگاه امیرکبیر این نمایش فریبکارانه را بر هم زدند.

دانشجویان با شعارهایی همچون « دیکتاتور زمانه شهید شده بهانه»، « مرگ بر طالبان، چه کابل چه تهران»، « بسیجی برو گمشو»، « توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد»، « مرگ بر دیکتاتور»، « بسیجی بی عرضه قرآن کردی به نیزه» به سو استفاده حکومت برای ایجاد جو امنیتی در دانشگاه ها اعتراض کردند.

نیروهای سپاهی و بسیجی که با ارسال نیروهای خود به دانشگاه امیرکبیر، جای هیچ گونه اعتراضی از طرف دانشجویان را متصور نمی شدند، پس از آنکه با اعتراضات دانشجویان مواجه شدند با عصبانیت و وحشیگری بسیار به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند. عوامل مدعی اسلام که به چاقو، اسپری فلفل و وسایل ورزش های رزمی مجهز بودند، تمامی عقده های خود را با ضرب و شتم وحشیانه دانشجویان بروز دادند.

بیش از ۶۰ دانشجو بر اثر ضرب و شتم مجروح شدند که در حدود ۲۰ نفر از آنان به بیمارستان های مختلف انتقال داده شدند. حال ۳ نفر از مجروح شدگان وخیم می باشد. ضربات چاقو، پنجه بوکس و مشت بر بدن برخی از دانشجویان به وضوح آشکار است. همزمان با انتقال دانشجویان به بیمارستان ها، نیروهای اطلاعاتی با حضور در بیمارستان ها مانع از پخش وضعیت دانشجویان مجروح شده اند.

پس از دفن تابوت ها همراه با ضرب و شتم دانشجویان و پایان نمایش پروژه دفن شهید، بازداشت دانشجویان معترض و انتقال آنان به بازداشتگاه ها شروع شد. تعدادی از دانشجویان که مورد ضرب و شتم هم قرار گرفته بودند در دقایق اولیه اتمام

برده اند تا شاید از گزند نیروهای امنیتی اطراف دانشگاه در امان بمانند. این دانشجویان هنوز در دانشگاه بسر می برند و وضعیت نگران کننده ای را می گذارند.

همچنین تعدادی از دانشجویان که توسط انصار و نیروهای امنیتی حاضر در مراسم تدفین به طور وحشیانه ای مورد حمله قرار گرفته اند به بیمارستان منتقل شده اند و حال چند تن از آنها وخیم گزارش شده است. ضربات چاقو، پنجه بوکس و مشت بر بدنشان هویداست. حداقل ۷ تن از دانشجویان بدین روال در بیمارستان بستری می باشند.

سه شنبه، ۶ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۰۹

خشم اوباش خامنه ای از شعار مرگ بر دیکتاتور

گزارش کامل اعتراض روز گذشته دانشجویان پلی تکنیک به دفن شهید و ضرب و شتم وحشیانه دانشجویان توسط چماقداران بسیجی و سپاهی :

خبرنامه امیرکبیر: روز گذشته همزمان با حضور گسترده و سازماندهی شده افراد خارج از دانشگاه برای اجرای پروژه دفن شهید، دانشجویان دانشگاه امیرکبیر علیرغم تمامی فشارها به این پروژه اعتراض کردند.

نیروهای امنیتی با همکاری مسئولین وزارت علوم و دانشگاه امیرکبیر از هفته های گذشته تمامی تمهیدات لازم را اندیشیده بودند تا این مراسم بدون هیچ گونه اعتراضی برگزار شود. تقاضای رهایی ریاست دانشگاه امیرکبیر برای ادامه بازداشت ۴ دانشجوی در بند این دانشگاه، و ممنوع الورد کردن ۱۲ دانشجوی پلی تکنیک از ابتدای هفته جاری و تماس با خانواده های دانشجویان معترض برای تخت فشار قرار دادن آنها از جمله اقدامات انجام شده برای ممانعت از شکل گیری هرگونه اعتراضی بود.

علاوه بر آن طی روزهای گذشته پس از آنکه دانشجویان دانشگاه امیرکبیر طی ۲ روز متوالی با برگزاری تحصن و تجمع اعتراضی مخالفت خود را با اجرای پروژه « دفن شهید» ابراز داشتند، مسئولین نحوه برگزاری این مراسم را تغییر داده و آن را به یک مراسم عمومی تبدیل کردند تا با خیالی آسوده نیروهای اطلاعاتی و سپاهی را وارد دانشگاه کنند. همچنین از روز یکشنبه بیلبردهای تبلیغاتی در این زمینه در نقاط مختلف شهر تهران نصب شد. یکشنبه شب نیز آیت الله خامنه ای با انتشار پیامی از برگزاری این مراسم استقبال کرد تا بدین ترتیب تمامی زمینه های برای دفن شهید بدون هیچ اعتراضی فراهم شود. وی در حالی برای اجرای دفن شهید در دانشگاه امیرکبیر پیام منتشر

در این بیانیه نامی از ایران برده نشده است، گرچه چالش اصلی ایالات متحده در آن منطقه رژیم تهران است که به فعالیتهای مشکوک هسته ای، حمایت از گروههای تروریستی و سرکوب وحشیانه مردم ایران ادامه می دهد.

با چماق به سراغ رژیم تهران بروید



دنيس راس مشاور ارشد دولتهای بوش پدر و کلینتون در امور خاورمیانه و مشاور اغلب وزرای امور خارجه آمریکا نظیر جیمز بیکر، وارن کریستوفر و مدالین آلبرایت بوده است.

این دیپلمات ارشد آمریکایی اخیراً در نوشتاری تند علیه جمهوری اسلامی با عنوان « با چماق به سمت رژیم تهران بروید نه هویج »، صراحتاً سیاست گفتگوهای دیپلماتیک در مواجهه با بحران هسته ای رژیم ملایان را ناکارآمد دانست.

دنيس راس در نوشته خود برنامه هسته ای جمهوری اسلامی را تسلیحاتی دانسته و می نویسد باید از سیاست چماق علیه رژیم تهران استفاده کرد، چرا که اکثر کارشناسان معتقدند هیچ مشوقی نمی تواند آنها را از مسیری که در پیش گرفته اند، باز دارد و تنها تهدید منزوی شدن و اعمال تحریمهای سخت اقتصادی است که می تواند نظر رژیم تهران را در باره ادامه فعالیتهای هسته ایش تغییر دهد.

سه شنبه، ۶ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۰۹

انفجار تروریستی قاهره، دستگیری یکی از عوامل رژیم



سایت فارسی شبکه خبری العربیه: طبق آخرین گزارش درباره انفجار روز یکشنبه نزدیک مسجد تاریخی امام حسین در قاهره که منجر به قتل یک دختر جوان فرانسوی شد، پلیس مصر روز دوشنبه از دستگیری یک شهروند ایرانی که در هنگام وقوع انفجار در خارج هتل محل اقامت خود در نزدیکی منطقه انفجار قرار داشت خبر داد.

نمایش دفن شهید، بازداشت شده و در ون های قرمزی رنگی به نقاط نامعلومی انتقال داده شدند.

پس از آن مامورین اطلاعاتی همراه با همکاری حراست دانشگاه امیرکبیر با استقرار در خروجی درب های دانشگاه، دانشجویان را هنگام خروج از دانشگاه بازداشت می کردند. در حالیکه برخی از دانشجویان به دلیل شرایط ناامن خارج از دانشگاه قصد داشتند تا برای چند ساعتی در دانشگاه بمانند، علیرضا رهایی ریاست دانشگاه امیرکبیر با اعلام اینکه هیچ دانشجویی نمی تواند بعد از ساعت ۷ در دانشگاه باشد، از انتظامات دانشگاه خواست تا دانشجویان را از دانشگاه اخراج کنند. همزمان ماموران اطلاعاتی با همکاری انتظامات دانشگاه امیرکبیر با استقرار در خروجی درب های دانشگاه به شناسایی و بازداشت دانشجویان معترض پرداختند.

بر طبق آخرین آمار بدست آمده در بعد از ظهر روز گذشته بیش از ۷۰ دانشجو بازداشت شدند که اکثر این دانشجویان به کلانتری ۱۰۷ میدان فلسطین منتقل شدند، اما از محل نگهداری برخی از بازداشت شدگان اطلاعی در دست نیست. همچنین برخی از دانشجویانی که به کلانتری ۱۰۷ منتقل شده بودند از آنجا به نقاط نامعلومی منتقل شدند. ماموران حراست و برخی از افراد بسیج دانشگاه امیرکبیر با حضور در این کلانتری به شناسایی دانشجویان فعال پرداختند. از کلیه دانشجویان منتقل شده به کلانتری ۱۰۷، عکس برداری و انگشت نگاری انجام و کارت دانشجویی آنان ضبط شده است. دانشجویان مورد فحاشی ماموران کلانتری و نیروهای امنیتی قرار گرفتند و نیروهای امنیتی به شدت نسبت به شعار "مرگ بر دیکتاتور" عصبانی بودند. تا بامداد صبح روز سه شنبه بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان آزاد شده اند اما هنوز نزدیک به ۳۰ نفر از دانشجویان در بازداشت به سر می برند.

سه شنبه، ۶ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۰۹

انتخاب دنيس راس و احتمال استفاده از چماق بزرگتر

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا، دنيس راس را به عنوان مشاور ویژه خود در امور خلیج فارس و جنوب غرب آسیا منصوب کرد. در بیانیه وزارت خارجه آمریکا گفته شده که مسئولیت مشاور ویژه وزیر خارجه در امور خلیج فارس، رسیدگی به اموری همچون گسترش سلاحهای کشتار جمعی، تروریسم، توسعه اقتصادی و تقویت دموکراسی است.

کارشناسان معتقدند، احتمالاً یک گروه کوچک مصری ناراضی در این انفجار دست دارد چنانکه قبلاً نیز دو حمله مشابه را در سال ۲۰۰۵ انجام داده است.

احتمال می رود این حادثه باعث کاهش سفر جهانگردان به مصر شود، و به درآمد جهانگردی در این کشور که ۷ درصد از مجموع درآمد های این کشور را تشکیل می دهد آسیب برساند. در پی وقوع حمله، پلیس منطقه را محاصره کرده وجستجو برای یافتن مظنونان احتمالی دیگر ادامه دارد.

سه شنبه، ۶ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۰۹

سرکرده پاسگاه زیدون خوزستان بهلاکت رسید

در جریان یک تهاجم مسلحانه به یک پاسگاه نیروی انتظامی در استان خوزستان، سرکرده این پاسگاه به هلاکت رسید. ساجدی نیا معاون عملیات نیروی انتظامی در استان خوزستان در حالیکه مهاجمان را « اشرار » می نامید گفت : « رئیس پاسگاه زیدون در استان خوزستان بر اثر درگیری با اشرار به شهادت رسید. »

سه شنبه، ۶ اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۰۹

وحشت آخوندها از شعله های خشم جوانان در چهارشنبه سوری

وبلاگ سکوت آخر

وحشت آخوندها از شعله های خشم جوانان در مراسم چهارشنبه سوری دادستانی کل آخوندها در وحشت از تبدیل شدن مراسم چهارشنبه سوری به اعتراضهای ضدحکومتی بخشنامه ای صادر کرد. معاون سیاسی و امنیتی دادستان کل رژیم در این بخشنامه از دادگستریهای سراسر کشور خواست برای جلوگیری از به اصطلاح خسارات جبران ناپذیر مراسم چهارشنبه سوری پیشگیریهایی انجام دهند.

در این بخشنامه از جمله آمده است: دستگاههای ذیربط در جهت پیشگیری از بروز لطمات و خسارات جبران ناپذیر در چهارشنبه آخر سال تمهیدات مقتضی اتخاذ کنند.

فرزندان ایرانزمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.

Organisation PARS

B.P 6593

75065 Paris Cedex 2 – France

www.sazmanepars.com

Email : sazmanepars@aliceadsl.fr

iran-info@aliceadsl.fr

به گفته برخی منابع « شاهدان عینی می گویند هنگامی که افراد پلیس به دنبال پرتاب بمب از طبقات بالای هتلی در نزدیکی مسجد امام حسین در قاهره به بالا رفتند، با یک ایرانی که در حال پایین آمدن بود روبرو شدند او را دستگیر کردند، اما هنوز اتهامی علیه وی اعلام نشده است. »

گفتنی است که مقامات مصری از افشای نام این شهروند ایرانی بازداشت شده خود داری می کنند، زیرا آنان تنها به وی مشکوک شده اند. پیشتر منابع پلیس از بازداشت ۱۴ تن که سه پاکستانی در میان آنان وجود دارند خبر داده بودند، در شرایط مشابه، معمولاً پلیس مصر افراد دستگیر شده را پس از بازجویی آزاد می کند.

این منابع به « العربیه » گفتند تاکنون اتهامی علیه افراد مظنون اعلام نگردیده است، و تنها روال معمولی تحقیق و بازجویی از کسانی که در منطقه انفجار حضور داشتند، من جمله میهمانان هتلی که یکی از آنان ایرانی است، ادامه دارد.

همچنین جستجوی دستگاه های امنیتی برای دستگیری دو پاکستانی که به شدت در مظان اتهام هستند، ادامه دارد، این دو با در اختیار داشتن ویزای ترانزیت از بحرین عازم قاهره شده بودند.

پلیس مصر می گوید تا کنون چهارده مظنون را در ارتباط با بمب گذاری شب گذشته در بازار عادیات منطقه الحسین واقع در شهر قاهره، بازداشت کرده است، در این انفجار یک دختر ۱۷ فرانسوی کشته و دست کم ۲۱ تن دیگر زخمی شدند.

گزارشگر شبکه تلویزیونی « العربیه » گفت، مقامات امنیتی ۱۴ مظنون را که ۳ تن آنان از اتباع پاکستان هستند مورد بازجویی قرار دادند.

منابع پلیس افزودند، بازداشت شدگان هنگام انفجار بمب یکشنبه شب در محل حادثه حضور داشتند، و برخی از آنان در شب حادثه و بقیه بامداد روز بعد دستگیر شدند، منابع مذکور در مورد اینکه آیا مدارک و یا شواهدی علیه مظنونان در دست دارند اطلاعاتی را ارائه نکرده اند.

این بمب که در نزدیکی بازار تاریخی « خان الخلیلی » منفجر شده اولین حمله از این نوع پس از حمله به جهانگردان در آوریل سال ۲۰۰۵ می باشد، و همچنان نخستین حمله در مصر است که پس از انفجار آوریل ۲۰۰۶ در تفریحگاه دهب واقع در سینا صورت می گیرد.

گفتنی است که در میان زخمیان ۱۳ جهانگرد فرانسوی، ۳ تبعه سعودی، یک آلمانی، و سه شهروند مصری وجود دارند. هنوز هیچ جهتی مسؤولیت این انفجار را بر عهده نگرفته است.